

پــــژوهــش هـــای

# ایـــــران شنـــــاســی

پـرســـش و پــاســـــخ

## پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

فصلی از کتابِ نایابِ «اسلام و ایران ؛مذهب و ملیت ایرانی»

(چاپ۱۳۷۷تهران)

## «فضائلِ نوروز در ادبیاتِ شیعه»


**نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده**

پژوهنده ، نویسنده و مترجم ایرانی

http://www.fehresteasar.com

**www.iranologi.blogfa.com**

**www.fehresteasar.blogfa.cskni om**

**IRANOLOGY12@GMAIL.COM**

# نـــــوروز

بـــي گمـــان نـــوروز و مهرگـــان از کهـــن‌تـــرين جشـــن‌هـــاي آريـــايي هســـتند کـــه ريشـــه و پيشـــينهء آنهـــا بـــه روزگـــار حضـــور آريـاييـــان در ائيـــرين (= ايـــران) مـــي‌رســـد. روزگـــاری کـــه ســـال آريـــايي تنهـــا دو فصـــل داشـــت; زمســـتان و تابســـتان: «... آنجـــا ده مـــاه زمســـتان اســـت و دو مـــاه تابســـتان، هفـــت مـــاه تابســـتان هســـت، پـــنج مـــاه زمســـتان و ايـــن ده مـــاه هســـت ســـرد; آب‌هـــا ســـرد، زمـــين‌هـــا ســـرد، گياهـــان ســـرد، آنجـــا ميـــان زمســـتان، آنجـــا در دل زمســـتان، آنجـــا زمســـتان سراســـر فـــرا گيـــرد دورتـــرين جاهـــا را از ســـيلاب و يـــخ »و آرياييـــان پـــس از گـــذر زمســـتان ده نـــك: ونديـــداد ١/١٩٣ ١٩٤/١/٣، ٤. ده ماهـــه، هفـــت ماهـــه و پـــنج ماهـــه، آنـــك کـــه آغـــل‌هـــا و تَـــذَرْها و کوَزْهـــا و پَـــلاس‌هـــا را مـــي گشـــودند و رمـــه‌هـــا و گلـــه‌هـــاي گـــاو و گوســـفند و اســـب و شـــتر را روانـــه دشـــت‌هـــاي سرســـبز و خـــرم مـــي‌نمودنـــد، جشـــني برپـــا مـــي‌داشـــتند، شـــادمان کـــه ســـرما رفتـــه، يـــخ و بـــرف و ســـيلاب گسســـته و زنـــدگي انســـان و گيـــاه و چارپـــا آغـــاز شـــده اســـت و ايـــن جشـــن آغـــاز ســـال آريـــايي بـــود کـــه بـــا **بهـــار** آغـــاز مـــي‌شـــد و در نگـــاه آريـــايي آغـــاز تابســـتان بـــود. جشـــني کـــه بعـــدها **نـــوروز** نـــام گرفـــت. آنـــك کـــه آســـمان روي در هـــم مـــي کشـــيد و خبـــر از حضـــور زمســـتان مـــي‌داد و آرياييـــان رمـــه‌هـــا و گلـــه‌هـــاي خـــويش را بـــه آغـــل مـــي‌بردنـــد، در آســـتانه زمســـتان جشـــني مـــي گرفتنـــد کـــه بعـــدها **مهرگـــان** خوانـــده شـــد . شـــادروان اســـتاد پـــور داود مـــي گويـــد: ســـال هخامنشـــي از مـــاه بـــاگ يـــادي = Bagyadi(= بـــاگ = بَـــغ = خـــدا + يـــد = يـــز = ســـتايش يعنـــي مـــاه ســـتايش خـــدا شـــروع شـــده و بعـــدها بـــه جـــاي جشـــن بـــاگ يـــادي، جشـــن مهرگـــان (١٦ مهـــر مـــاه) کـــه جشـــن بـــزرگ ايـــران قـــديم بـــوده برگـــزار مـــي‌شـــد. ايـــن جشـــن از روزگـــار داريـــوش هخامنشـــي (٤٩٣ ٤٨٦ ق.م) آغـــاز شـــد و معمـــول شـــدن جشـــن مهرگـــان بـــه جـــاي جشـــن نـــوروز بـــاگ يـــادي از همـــان عهـــد اســـت . نـــك: خـــرده اوســـتا ٢٠٤ ٢٠٥. گويـــا پيشـــينهء برگـــزاري نـــوروزِ دورانِ تـــاريخي باستان به دياا کو پادشاه ماد مي‌رسد. نك: خرمشاه ٤٤ ٤٥، ٥٤.

بدين سال در گذر هزاره‌ها نوروز همواره در چرخش بود چرا كه بهار سرنوشت نوروز در ادوار تاريخي نك: تقي زاده / گاه شماري ۳۸ ۴۸. + مقالات ۲/۲۶، ۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، + ۴/۱۲۸ ۱۴۲. + ۹/۲۱۰ ۲۳۱. + بيروني / آثارالباقيه.

مي‌چرخيد تا آنجا كه نوروزِ سالِ جلوس يزدگرد سوم آخرين شاهنشاه ساساني، روز ۱۲ فريالِ رومي برابر با اولِ تابستان بود تا كه سرانجام در پي اعتدالِ زمان و تحويلِ نك: معين ۴/۴۸۴۳ ۴۸۴۴. خورشيد به برجِ حَمَل در هزارهء پيشين (سال ۴۶۷ قمري) به روزگار ملكشاه سلجوقي و همتِ نخبكانِ ايراني، نوروز ظرف زماني مناسب خويش را يافت، سال ن.ك: همان. آريايي همچنان با بهار آغاز شد و بهار با فروردين و نخستين روزِ فروردين نوروز شد. چنين پيداست كه در روزگار بلند آييني باستان از مادها تا ساسان‌ها، جشنِ كهن آريايي نوروز تحت‌الشعاع گهنبارها يا جشن‌هاي آييني ششگانهء سال قرار گرفت گهنبار يا گاهنبار، در پهلوي: گاسانبار، از اوستا: گاثو، به معناي گاه، هنگام، بار از واژه اوستايي يائيريه از يار = yare= سال، يعني هنگامِ سال. نك: خرده اوستا ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۵ ۲۱۸. شش جشن آييني آريايي باستان عبارت بودند از: ميديورزم، ميديوشم، پتيه يوشهيم، آياسرم، ميديارم، همسپتمدم. اين شش جشن آييني در سراسر اوستا بسيار ستوده شده و از مقدسات بسيار معتبر آييني بوده كه حضور در آنها و دادن ميزد و فديه و هديه از واجبات عيني بوده و عدم حضور در آنها كيفر مرگ را داشته است. ن.ك: يسناها ۱/۹، ۲/۹، ۳/۱۱، ۴/۱۴، ۶/۸، ۷/۱۱، ۱۷/۸، ۲۲/۱۱. + ويسپرد ۱/۲، ۲/۲. ن.ك: ايران; آيين و فرهنگ. چرا كه در ادبياتِ اوستايي نام و نشاني از نوروز نيست و اصولاً به روشني و درستي نمي‌دانيم كه در روزگار مادها، هخامنش‌ها و اشكان‌ها نوروز چگونه برگزار مي‌شده است و اين نشان از غير آييني بودن نوروز و **مهرگان** دارد. در ادبياتِ پهلوي ساساني از نوروز يا **نوك روچ** يا **نوگ روز** ياد شده است و ن.ك: اذكايي ۱، ۲، ۳: نوك روچ = NOGROOCH يا: نوگ روز = NOKROOZ ن.ك: ابونواس / فارسيات ۱۶: بحق المهرجان و نوك روز

و فرخ روز بسال الكبيس

و النوك روز الكبار

و جشن گاهنبار

چگونگي مراسمِ نوروزِ اواخر روزگار ساساني كم و بيش به ما رسيده است(نك:افتخارزاده / نوروز باستاني) هرچند كه گزارش آن تأليف سده‌هاي

نخست هجري است و كيفيت و كميّت آن مي‌تواند بخشي از مبارزهء فرهنگي ايرانيان با تازيان باشد. چرا كه در پي حضور تازيان در ايران كه روزگار غربت و حسرت و مظلوميت و حرمت مليت و فرهنگ ملي بود به نوروز و مهرگان توجه بسيار شد و اين خود نشان مي‌دهد كه اين دو جشن در سراسر روزگار باستان هرگز آييني نبوده‌اند. به همين دليل در پي زوال آيين آريايي و فراموشي و بي اعتباري جشن‌هاي آييني، نوروز و مهرگان از سوي مردم ايران همچنان گرامي داشته مي‌شد و ايرانيان براي برگزاري آنها باج و خراج و جزيهء مضاعف مي پرداختند . در همين دوره بود كه پاسداران خاطرهء قومي كهن، نوروز را وارد ن.ك: ايران در روزگار اموي. ادبياتِ آييني باستان كردند. در بُن‌دَهِشْن ايراني آمده است كه: مادران سوشيانت‌هاي موعود، در روز نوروز به درياچهء كيانسه خواهند شد تا از نطفهء زرتشت كه در آن آب‌ها نهفته است بارور گردند . ن.ك: معين ٤/٤٨٤٤ ٤٨٤٣ بند هش بزرگ + صد در بندهش. + مقايسه كنيد: بن دهش هندي ١١٥، ١٢٠ در اينجا از نوروز نامي نيست. + پور داود / سوشيانت ٣٤ داستان سوشيانت‌ها در: بن دهش بزرگ ١١/٦، ٢٩/٦ ٩، ٣٠/٨ ٩، ٣٢/٩ ٨. + دينكرد ٧/٧ ١٠. + بهمن يشت ٣/٤٣ ٦٤. + صد در بن دهش ٣٥. + جاماسپ نامه تأليف داستان براساس منابع ياد شده: <به نزديك درياچه كيانسو كوهي است موسوم به كوه خدا ، قومي از خدا پرستان و پرهيزكاران در بالاي آن جاي دارند، هرسال در هنگام نوروز و مهرگان دختران خود را به كيانسو مي‌فرستند تا در آن خود را بشويند ...>. انتساب نوروز به جمشيد و مهرگان به فريدون كار همين دوره است . هر چند كه ن.ك: الاوائل ٢/١٨٥: <اول ما اتخذ النيروز عيداً; اجتمعت الفرس ان جمّاً الملك اول من اتخذ النيروز عيداً> <نخستين كسي كه نوروز را عيد گرفت; ايرانيان همه بر اين باورند كه جمشيدِ پادشاه نخستين كس بود كه نوروز را عيد گرفت ...> + همان ٢/١٨٨: <اول ما ظهر المهرجان علي عهده أفريدون و ذلك ان الدين قبل ايامه فسد، افسده الضحاك، فوثب به أفريدون فَقَيّده فسمي اليوم الذي ظفر به فيه المهرجان ...> = <نخستين كسي كه در روزگار او مهرگان پديدار شد فريدون بود، به اين سبب كه پيش از روزگارِ او آيين تباه شده بود، ضحاك آيين را تباه كرده بود، فريدون بر او تاخت و او را به بند كشيد، روزي را كه بر ضحاك پيروز شد مهرگان ناميد ...> + شاهنامه ١/٣٩ ٥٠. در ادبيات اوستايي و آييني جمشيد بنيان گذارِ سنتِ آريايي معرفي گرديده با اين همه، نيامده است كه جمشيد نوروز را بنا نهاده و

فريدون مهرگان را پي هشته است. تأليف كتاب‌هاي بسيار در عظمت و فضيلت نوروز نيز ميراث همين دوره تاريخيِ سرنوشت ساز است. علاوه بر شعوبياتِ مسلمان كه در فضايل نوروز كتاب مي‌نوشتند ، شعوبيان مزديسني نيز آثار بسياري در فضيلت نوروز خلق كردند و نك: شعوبيه ٢٤٩ ٢٦٩. نوروز را آييني ازلي نمودند كه همه رويدادهاي سرنوشت ساز تاريخ بشر در نوروز روي داده و خواهد داد: <آفرينش جهان در نوروز بوده، كيومرث (= آدم) در نوروز آفريده شده، مشي و مشيانه (= آدم و حوا) در نوروز پديدار شدند، هوشنگ ، تهمورث ، جمشيد ، فريدون ، منوچهر ، سامِ نريمان ، كي‌خسرو ، افراسياب و ... همه در اين روز ظهور كرده‌اند، آرش در اين روز تير انداخت، لهراسپ ، گشتاسپ و زرتشت در اين روز ظهور كردند، خسرو پسر هرمزد (= خسرو پرويز) در اين روز جلوس كرد. بهرام ورجاوند ، پشوتن پسر گشتاسپ، اوشيدر ، اوشيدر ماه و سوشيانش در اين روز ظهور خواهند كرد، سامِ نريمان، كي‌خسرو، گشتاسپ و ... در اين روز ظهورِ مجدّد خواهند كرد. شكستِ اهريمن و آغاز رستاخيز در اين روز خواهد بود >. ن.ك: رساله‌ء ماه فروردين روز خرداد، در مجموعه‌ء متون پهلوي به چاپ رسيده و به فارسي نيز ترجمه شده است. نك: J.Asana:PahlaviTexts.1987-1913.. ١٩٨٧-١٩١٣ ترجمه فارسي : بهار / ترجمه چند متن پهلوي (نشر سپهر. تهران، ١٣٤٧) + ايران كوده . شماره ١٦ (١٣٣١ خورشيدي) ترجمه‌ء متن ماه فروردين و روز خرداد. متن و پيوست. اين رساله از ميراث گرانقدر شعوبيه است كه در سده‌هاي نخست هجري به زبان پهلوي نوشته شده است. شادروان استاد تفضلي مي گويد: <زمان تأليف اين رساله اواخر دوره‌ء ساساني است اما در نثر آن بعدها دستكاري كرده‌اند زيرا نفوذ زبان فارسي در آن ديده مي‌شود> ن.ك: تفضلي ٢٩٣ ٢٩٤. استاد تفضلي تاريخ كتابت نسخه‌ء اوّل اين رساله را سال ٩٥٦ ميلادي نوشته‌اند. رونويسي از اين نسخه در سال ١٣٢٢ يا ١٣٤٢ ميلادي و آخرين رونويسي يا بازنويسي در سال ١٧٦٧ ميلادي صورت گرفته است. فضايل و مراسم نوروز در آيين نامه يا آيين نامگ يا ايوين نامگ ها نيز آمده كه منابع اصلي مورخان و نويسندگان مسلمان عرب و ايراني را تشكيل مي‌دهد. اين ميراث گرانقدر را موبدان كه پاسدار خاطره‌ء كهن قومي بودند حفظ مي كردند. مسعودي مورخ عرب مسلمان در شيراز يكي از اين آيين‌نامه‌هاي مصوّر هزار برگ را ديده و در كتاب التبنيه از آن ياد كرده است. بسياري از اين آيين‌نامه‌ها به عربي ترجمه شده و يا به عربي

تـأليف شـده اسـت. چـرا كـه نوابغ هوشـمند شـعوبيه توانـايي خلـق آثـاري را بـه پهلـوي و عربـي داشـتند و ابـن مقفـع يكـي از ايـن نوابـغ اسـت كـه صـدها رسـاله بـه پهلـوي و عربـي تـأليف كـرد. فهرسـت ايـن نوابـغ و آثارشـان را ن.ك: شـعوبيه ٢٤٩ ٢٦٩. + تفضـلي ٢٤٧ ٢٤٥ + مسـعودي / التنبيـه ١٠٤. + ابـن النـديم / الفهرسـت ١٣٢، ٣٦٤. + جـاحظ / المحاسـن ١٣٨. + بيرونـي / آثـار الباقيـه ٢١٣. + خيـام / نـوروز نامـه ١٨ ٢١ + جـاحظ / التـاج ٢٥ ٢٦. انعكـاس روايـات ايرانـي فضـايل نـوروز در منـابع عربـي سـده ى چهـارم هجـري: نـك: الاوائـل ٢/١٨٥ ١٨٦: «ايرانيـان همـه بـر ايـن باورنـد كـه جمشـيد پادشـاه نخسـتين كسـي بـود كـه نـوروز را جشـن گرفـت و بزرگداشـت نـوروز را آيينـي سـاخت و همـو بـود كـه شـهر تـوس را پـي هشـت ... پـيش از جمشـيد آيـين دگرگـون شـده بـود، او كـه پادشـاه شـد آيـين را بـه جـايش برگردانـد و دادگـري پيشـه سـاخت، روزي را كـه پادشـاه شـد نـوروز ناميـد يعنـي روز نـو، تازيـان نـوروز را تـازي كردنـد و گفتنـد: نيـروز بـر وزن طيفـور. ايرانيـان پندارنـد كـه پـيش از جمشـيد هـم نـوروز نـزد اهـل معرفـت روز بزرگـي بـود چـرا كـه در آن روز خداونـد آدميـان را آفريـد ... و گفتـه‌انـد بـه ايـن دليـل در شـب نـوروز آتـش مـي‌افروزنـد كـه پليـدي‌هـاي بـر جـاي مانـده از زمسـتان و پراكنـده در هـوا نـابود شـود. شـراب در نـوروز پديـد آمـد و بـه پادشـاه هديـه شـد. اهـدا ى شـراب از آن روز سـنت شـد و ...». همـين رسـاله‌هـا بـود كـه منبـع مورخـان و نويسـندگان مسـلمان عـرب و ايرانـي شـد. جـاحظ ، بيرونـي ، قزوينـي ، خيـام و ... از روي همـين رسـاله‌هـا فضـايل و آداب نـوروز را نوشـتند. مبنـاي روايـات اسـلامي در فضـايل نـوروز نيـز همـين رسـاله‌هـا بـود . نـك: الاوائـل ٢/١٨٥ ١٨٦. + مـروج ١/٢٢٤. + صـفحات بعـد. از كيفيـت و كميـت نـوروز و چگـونگي برگـزاري مراسـم آن در روزگـار ساسـاني توسـط همـين رسـاله‌هـا و آيـين‌نامـه‌هـا بـا خبـر شـده‌ايـم چـرا كـه مبنـاي ايـن رسـاله‌هـا روايـات شـفاهي بـوده كـه سـينه بـه سـينه و نسـل بـه نسـل منتقـل گرديـده و سـرانجام در دوره‌ء تـأليف ميـراث باسـتان، نوشـته شـده اسـت. بـي گمـان نويسـندگان رسـاله‌هـا و آيـين‌نامـه‌هـاي نـوروزي، فضـايل و مراسـم نـوروز ساسـاني را بـه گونـه‌اي نوشـته‌انـد كـه مناسـب وضـع موجـود عصـر و نسـل شـان باشـد. در ايـن نگـارش همـاره دو اصـل مـورد توجـه بـوده اسـت: نخسـت ايجـاد هـوس و حسـرت بـر گذشـته‌ء ناشـناخته ى باسـتان، و سـپس خلـقِ تصـاويري آشـنا و دل‌انگيـز و غـرور آفـرين از شـكوه و عظمـت شاهنشـاهي و شـادماني و خرّمـي رعايـاي ايرانـي. عـلاوه بـر ايـن دو اصـل، ازلـي بـودن و آيينـي كـردن نـوروز مـورد توجـه نويسـندگان اوليـه‌ء رسـاله‌هـا بـوده اسـت. بـا ايـن همـه، واقعيـتِ طبقـاتي نـوروز باسـتاني

در ایـن رسـالەهـا بسـیار برجسـته اسـت. بیرونـي و رازي نـوروز ساسـاني را از آغـاز فـروردین نوشـتەانـد و ایـن نشـان مـيدهـد کـه نویسـندگان مراسـم نـوروزي بـا توجـه بـه همـان دو اصـل یـاد شـده خواسـتەانـد همـه چیـز را در جـاي شایسـته و مناسـب و دل انگیـز آن ببیننـد . رازي بـا الهـام و اقتبـاس از رسـالهء آنچـه مسـلم اسـت ایـن اسـت کـه پـیش از نـوروز، جشـن فروردگـان کـه جشـن فروهرهـاي مردگـان اسـت برگـزار مـيشـده و ده روز طـول مـي کشـیده اسـت. نـك: خـرده اوسـتا ٢١٠ - ٢٠٩. شـادروان پـور داود مـي گویـد: جشـن نـوروز بـدون اینکـه نـزد زرتشـتیان، هنگـام فـرود آمـدن فروهرهـا باشـد، از جشـنهـاي بـزرگ و نـوروز جمشـیدي خوانـده مـيشـود. نـك: همـان ٢٢٢. پهلـوي مـاه فـروردین روز خـرداد مـينویسـد: «آنچـه معـروف اسـت آن داننـد کـه خسـروان چـون نـوروز بـودي بـر تخـت نشسـتندي و پـنج روز رسـم بـودي کـه حاجـت مـردم روا کردنـدي و عطاهـاي فـراوان دادنـدي و چـون ایـن پـنج روز بگذشـتي بـه لهـو کـردن و بـاده خـوردن مشـغول شـدندي، پـس ایـن روز از ایـن سـبب بـزرگ کردنـدي، و گفتـهانـد آن روزي اسـت کـه جمشـید مـردم را بشـارت دادي بـه بـيمرگـي و تندرسـتي و آمرزنـدگي، و گوینـد کـه هـم انـدرین روز بـود کـه کیـومرث اَرْزُور دیـو را بکشـت» بـر همـین اسـاس نـك: بهـار ٢/١٦٠ ١٦١ + شـهمردان بـن الـي الخیـر رازي / روضـة المنجمـین. برخـي مـدت جشـن نـوروز ساسـاني را یـك مـاه نوشـتەانـد کـه : پـنج روز نخسـت ویـژه شـرفیابي اشـراف و روحانیـان، پـنج روز دوم ویـژهء دریافـت هـدایاي نـوروزي، پـنج روز سـوم ویـژه شـرفیابي خـدمتکاران شاهنشـاه، پـنج روز چهـارم ویـژهء خـواص شاهنشـاه، پـنج روز پـنجم ویـژه سـپاهیان و رزمیـان، پـنج روز ششـم ویـژهء رعایـاي ایرانـي . نـك: معـین ٤/٤٨٤٣، ٤٨٤٤، ٤٨٤٥ + آثارالباقیـه ٢١٧، ٢١٨، ٢١٩. در نوروزنامـه ی منسـوب بـه خیـام ، روایـت تبلیغـي خـاطره انگیـز و غـرور آفـرین نـوروز ساسـاني را بهتـر مـيتـوان دیـد:«آیـین ملـوك عجـم از گـاه کـيخسـرو تـا بـه روزگـار یزدجـرد شـهریار کـه آخـر ملـوك عجـم بـود چنـان بـوده اسـت کـه روز نـوروز نخسـت کـس از مردمـان بیگانـه موبـد موبـدان پـیش ملـك آمـدي بـا جـام زریـن پـر مَـيْ و انگشـتري ، و درمـي و دینـاري خسـرواني، و یـك دسـته خَویـد سـبز رُسـته و شمشـیري و تیـر و دوات و کمـان و قلـم و اسـپي و بـازي و غلامـي و سـتایش نمـودي و نیـایش کـردي او را بـه زبـان پارسـي بـه عبـارت ایشـان. چـون موبـد موبـدان از آفـرین بپرداختـي پـس بزرگـان دولـت درآمدنـدي و خـدمتها پـیش آوردنـدي ». «آفـرین موبـد موبـدان بـه عبـارت ایشـان: شـها بـه جشـن فـروردین، بـه مـاه فـروردین، آزادي کـن بـر یـزدان، و دیـن کیـان سـروش آورد تـرا دانـایي و بینـایي بـه کـارداني، و

دير زيو با خوي هژير، و شادباش بر تخت زرين، و انوشه خور به جام جمشيد و رسم نياكان در همت بلند و نيكوكاري و ورزش داد و راستي نگاه‌دار، سرت سبز باد و جواني چو خويد، اسپت كامكار و پيروز، و تيغت روشن و كاري بر دشمن، و بازت گيرا و خجسته به شكار، و كارت راست چون تير، و هم كشوري بگير نو، بر تخت با درم و دينار، پيشت هندي و دانا گرامي و درمي خوار، و سرايت آباد و زندگاني بسيار> . آن كس كه با فضاي آييني و ادبيات اوستايي و ( نك: بهار ٢/١٧٥ ١٧٦ + نوروزنامه ١٨ -١٩، همين تصاوير در منابع عربي: الاوائل ٢/١٨٥ ١٨٦. ) درباري روزگار ساساني آشنا باشد به روشني مي‌داند كه اين متن ساختگي است و پيداست كه نويسنده با توجه به عصر و نسل خويش چنين متني را ساخته و پرداخته است . در ادامه ي اين متن آمده است: «چون اين بگفتي چاشني كردي و جام به ملك دادی و خويد در دست ديگر نهادي و دينار و درم در پيش تخت او بنهادي. و بدين آن خواستي كه روز نو و سال نو هر چه بزرگان اولِ ديدار چشم بر آن افكنند تا سال ديگر شادمان و خرم با آن چيزها در كامراني بمانند و آن بريشان مبارك گردد كه خرمي و آباداني جهان درين چيزهاست كه پيش ملك آوردندي » . شادروان استاد محمد تقي بهار مي گويد: «اگر اين سرود و مدح ساختگي نباشد، در آن دست خوردگي بسيار است و لغات تازي و اجنبي ... ديده مي‌شود و شايد افتادگي هم داشته باشد و ...» نك: بهار ٢/١٧٦ ١٧٧. نك: معين ٤/٤٨٤٤ +نوروزنامه ١٩ ٢٠. همين تصاوير در منابع عربي: الاوائل ٢/١٨٥ ١٨٦. در روايات نوروزي راه يافته به آثار نويسندگان عرب آمده است كه: «از چيزهايي كه شاهنشاهان در نوروز به خوردن آن تبرك مي‌جستند اندكي شير تازه و خالص و پنير بود و در هر نوروز براي پادشاه با كوزه اي آهنين يا سيمين آب برداشته مي‌شد ... اين آب را دختران دوشيزه از زير آسياب‌ها برمي‌داشتند ... بيست وپنج روز پيش از نوروز در كاخ شاه دوازده ستون از خشت خام برپا مي‌شد كه بر هر ستون به ترتيب گندم:، جو، برنج، باقلا، كاجيله،ارزن، ذرت، لوبيا، نخود، كنجد و ماش مي كاشتند و اين‌ها را نمي‌چيدند مگر به غنا و ترنم و لهو، در روز ششم نوروز اين حبوب را مي كندند و به ميمنت در مجلس مي‌پراكندند و تا روز شانزدهم فروردين آن را جمع نمي كردند. شاه با نگاه كردن در جو تبرك مي‌جست. در ايام نوروز نواهاي خاصي در خدمت شاه نواخته مي‌شد كه مختص همان ايام بود. در بامداد نوروز مردم به يكديگر آب مي‌پاشيدند، به يكديگر شكر هديه مي‌دادند، در شب نوروز آتش مي‌افروختند» .

نــــك: معـــين ٤/٤٨٤٥ +جـــاحظ / محاســـن ٢٣٤، ٢٣٦. + بيرونــــي / آثـــار ٢١٨. + يـــــــــاقوتي / معجـــــــــــم ١/٦٧٠ ٦٦٩. + نــــــــــــويري / بلـــــــــــوغ‌الارب ١/٣٨٦.+افتخـــارزاده/نوررز باستاني.نوروزساســـاني. بيرونـــي از بزرگداشـــت نـــوروز و ســـده در روزگـــار خـــويش يـــاد مـــي كنـــد كـــه مـــردم ســـپر و شمشـــيرِ چـــوبين و بـــوقِ ســـفالين مـــي‌خريدنـــد و مـــي گويـــد: «در ايـــن جشـــن‌هـــا شـــاهان را رســـم بـــر ايـــن بـــود كـــه نـــك: بيرونـــي / التفهـــيم ٢٥٨ ٢٥٩. در شـــب جشـــن آتـــش مـــي‌افروختنـــد و بـــس شـــعله ورش مـــي‌ســـاختند و حيوانـــات وحشـــي و پرنـــدگان را در ميـــان شـــعله‌هـــاي آتـــش رهـــا مـــي كردنـــد و پيرامـــون آتـــش بـــه بـــازي و شـــادماني و بـــاده‌پيمـــايي مـــي‌پرداختنـــد...» . نـــك: همـــان ٢٥٨ آثـــار الباقيـــه چـــاپ اروپـــا: « حتـــي صـــارفي رســـوم الملـــوك فيـــل ليلتـــه ايقـــاذ النيـــران و تأجيجهـــا و ارســـال الوحـــوش و تطييـــر الطيـــور فـــي لهبهـــا و اشـــرب و التلهـــي حولهـــا ...» شـــادروان اســـتاد پـــور داود مـــي گويـــد: «آتـــش افـــروزي ايرانيـــان در پيشـــاني نـــوروز از آيـــين ديـــرين اســـت و همـــه ی جشـــن‌هـــاي باســـتاني بـــا آتـــش كـــه فـــروغ ايـــزدي اســـت پيشـــباز مـــي‌شـــود ... روز چهارشـــنبه نـــزد عربهـــا روز شـــوم و نحســـي اســـت ... ايـــن اســـت كـــه ايرانيـــان آيـــين آتـــش افـــروزي پايـــان ســـال خـــود را بـــه شـــب آخـــرين چهارشـــنبه انداختنـــد تـــا بـــا پـــيش آمـــد ســـال نـــو از آســـيب روز پليـــدي چـــون چهارشـــنبه بركنـــار ماننـــد. شـــك نيســـت كـــه افتـــادن ايـــن آتـــش افـــروزي بـــه شـــب آخـــرين چهارشـــنبه ســـال، پـــس از اســـلام اســـت، چـــه ايرانيـــان شـــنبه و آدينـــه نداشـــتند...». نـــك: آناهيتـــا ٧٣، ٧٤+جـــاحظ / المحاســـن ٢٧٧: وَالْاربَعَـــاء يَـــوْمُ نَحْـــسٍ ... + پيشـــينهء آتـــش بـــازي در ايـــران پـــس از باســـتان: تـــاريخ بخـــارا ٣٢، ٢٨٦ ٢٤٨.در پـــي حضـــور و اســـتقرار تازيـــان در ايـــران و غلبـــه پـــان عربيســـم افســـار گســـيخته ی امـــوي و عـــرب زدگـــي برخـــي از ايرانيـــان، نـــوروز و مهرگـــان مـــورد بـــي‌مهـــري بســـيار قـــرار گرفـــت و برگـــزاري آن ممنـــوع شـــد. امـــا ايرانيـــان در برگـــزاري ايـــن دو جشـــن درنـــگ نمـــي كردنـــد و در نهـــان نـــوروز و مهرگـــان را جشـــن مـــي گرفتنـــد. ســـخت‌گيـــري تازيـــان راه بـــه جـــايي نبـــرد و ســـرانجام بـــراي برگـــزاري نـــوروز و مهرگـــان از ايرانيـــان مســـلمان و غيـــر مســـلمان خـــراج ويـــژه‌اي مـــي گرفتنـــد. ايـــن وضـــعيت از آغـــاز تـــا انجـــام رژيـــم امـــوي ادامـــه داشـــت. گفتـــه مـــي‌شـــود نخســـتين كـــس كـــه بـــاج و خـــراج نـــوروز و مهرگـــان بـــر ايرانيـــان بســـت حجـــاج بـــن يوســـف بـــود . درآمـــد رژيـــم امـــوي در روزگـــار معاويـــه بـــن ابـــي ســـفيان از بـــاج و خـــراج نـــوروز و مهرگـــان بـــه ٥ تـــا ١٠ ميليـــون درهـــم رســـيد . نـــك: ايـــران در روزگـــار امـــوي + الاوائـــل ٢/٣٤. ايـــن وضـــع تـــا روزگـــار عمـــر بـــن عبـــد العزيـــز رفرمـــاتور رژيـــم امـــوي ادامـــه داشـــت. نـــك: معـــين ٤/٤٨٤٥ +جرجـــي زيـــدان / تمـــدن اســـلامي ٢/٢٢. همـــو

بـــود كـــه بـــراي بقـــاي رژيـــم، بـــاج و خـــراج نـــوروز و مهرگـــان را از ايرانيـــان برداشـــت امـــا پـــس از او دوبـــاره برقـــرار شـــد و تـــا ســـقوط امويـــان ادامـــه داشـــت . در دوره ي خلافـــت هشـــام بـــن عبـــد الملـــك اشـــرافيت ايرانـــي از خالـــد بـــن عبـــد اللـــه قســـري اســـتاندار عـــراق خواســـتند تـــا نـــوروز را يـــك مـــاه بـــه عقـــب انـــدازد، خالـــد در ايـــن مـــورد نظـــر خليفـــه را خواســـت. هشـــام بـــا اســـتناد بـــه آيـــه ۳۸ ســـوره‌ء توبـــه نوشـــت كـــه مـــي‌ترســـم مرتكـــب كفـــر شـــوم . نـــك: ايـــران در روزگـــار امـــوي + الاوائـــل ۲/۳٤. نـــك: الاوائـــل ۱/۳۹۱، ۳۹۲. در روزگـــار عباســـيان كـــه اشـــرافيت ايرانـــي در قـــدرت سياســـي شـــريك بـــود و حضـــور نيرومنـــد حكـــومتي داشـــت و خليفگـــان عباســـي خلـــق و خـــوي ايرانـــي گرفتنـــد و بـــه فرهنـــگ و ســـنن ملـــي ايـــران دل بســـتند و ســـرانجام ســـخت شـــيفته آن شـــدند، نـــوروز آشـــكارا جشـــن گرفتـــه مـــي‌شـــد و خليفـــه و دربـــار خلافـــت بـــه گونـــه شـــاهان باســـتان ايـــران مراســـم نـــوروزي داشـــتند. در ايـــن دوره شـــادباش‌هـــاي نـــوروزي و هـــداياي نـــوروز از ســـوي اشـــرافيت ايرانـــي تقـــديم خليفگـــان عباســـي مـــي‌شـــد. نخســـتين كســـي كـــه نـــوروز و مهرگـــان را بـــه گونـــه مكتـــوب بـــه خليفـــه عـــرب تبريـــك گفـــت احمـــد بـــن يوســـف كاتـــب ، ايرانـــي زاده شـــعوبي بـــود كـــه نامـــه شـــادباش نـــوروزي را بـــه شـــعر بـــا هديـــه‌اي بســـيار نفـــيس بـــه مـــامون عباســـي تقـــديم داشـــت . نـــك: همـــان ۲/۱۰۱: «اوّلُ مَـــن افتـــتحَ المكاتبـــةَ فـــي تهنئـــةِ النيـــروز و المهرجـــان احمـــدُ بـــن يوســـف الكاتـــب; اَهـــدي‌إلـــي المـــامون سَـــفطُ ذهـــب، فيـــه قطعـــة عـــود هنـــدي فـــي طولـــه و عرضـــه و كتـــب معهـــا: هـــذا يـــوم جـــرت فيـــه العـــاده بالطـــاف العبيـــد الســـادة ...» در دوره ي خلافـــت هـــارون عباســـي، اشـــرافيت ايرانـــي از يحيـــي بـــن خالـــد برمكـــي خواســـتند تـــا نـــوروز را يـــك مـــاه بـــه عقـــب بـــرد. يحيـــي ترســـيد كـــه دشـــمنان عـــربش در دســـتگاه خلافـــت او را بـــه هـــواداري از آيـــين باســـتان ايـــران مـــتهم كننـــد. از ايـــن روي خـــواهش اشـــراف ايرانـــي را بـــرآورده نســـاخت . در روزگـــار متوكـــل عباســـي ايـــن خواســـته بـــرآورده شـــد و همـــو بـــود كـــه نـــك: همـــان ۱/۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹٤، ۳۹٥. فرمـــود تـــا بـــه سراســـر قلمـــرو خلافـــت بنويســـند كـــه از ايـــن پـــس نـــوروز را در ۲۷ مـــاه حزيـــران رومـــي جشـــن بگيرنـــد. و ســـرانجام معتصـــم عباســـي نـــوروز را در ۱۱ مـــاه حزيـــران رومـــي قـــرار داد. شـــاعران ايرانـــي نـــژاد عـــرب زبـــان در مـــدح متوكـــل شـــعر بســـيار گفتنـــد كـــه او نـــوروز را بـــه زمـــان روزگـــار اردشـــير برگردانـــد . نـــك: همـــان ۱/۳۹٥ ۳۹٤. بـــا آغـــاز عصـــر اســـتقلال ايـــران و برقـــراري حكومـــت‌هـــاي منطقـــه‌اي ايرانـــي، نـــوروز و مهرگـــان بـــي‌پـــروا جشـــن گرفتـــه مـــي شـــد. بـــا ايـــن همـــه در گـــذر ســـده‌هـــا نـــوروز گـــاه مقهـــو متشـــرعان متصـــلب عـــرب زده مـــي گرديـــد و ايرانيـــان بـــه ناچـــار در نهـــان نـــوروز را جشـــن مـــي گرفتنـــد و ايـــن بخشـــي از

مبارزه فرهنگي ايرانيان با تازيان بشمار مي‌رفت چرا كه شادباش‌هاي مكتوب نوروزي بر در و ديوار خانه‌ها آويخته مي‌شد و خشم متشرعان متصلب را برمي انگيخت تا آنجا كه وظيفهء شرعي محتسب شد تا شادباش‌هاي مكتوب نوروزي را از در و ديوارها بكند و به خانه‌هايي كه از آنها صداي ساز و آواز نوروزي به گوش مي‌رسد يورش برد كه اين از باب امر به معروف و نهي از منكر است و اجازهء صاحب خانه هم شرط نيست زيرا اگر يورش نبرد منكر برقرار است . نك: نصاب الاحتساب ١٨١: «في الاحتساب علي من تظهر من البدع في البيوت و في هجوم المحتسب علي بيت المفسدين بلا اذنهم كتابة الرقاع في ايام النيروز و الزاقها بالابواب مكرومة ... في دار سمع فيها صوت مزامير و معازف قال: ادخل عليهم اي بغير اذنهم لارتكابهم المنكر لان المنع واجب، و لولم يجز الدخول بغير اذنهم لم يمكن المنع ...». شادباش‌هاي نوروزي آن روزگاران عبارت بود از: «نوروزت مبارك، با نوروز شاد زي، هزار سال به اين سالها و ...» . نك: محاضرات ١/٤١٠ ٤١١: تَهْنِئَةُ بِنيروز; اَنعِمْ بِنيروزكَ وَابْهِجْ بِهِ، مَتَّعكَ اَلْفاً مِثْلَهُ بَعْدَهُ، تَهْنِئَةُ المهرجان;

المهرجانُ يُختالُ طِلْقاً | في هواءِ صاف و في زعفرانِه | جاءُ
الذي به نالَ افريدون | مِنْ رَغْمِ حاسِدٍ وَ هَوانِه | نلتَ فيه

%

اسلامِ تسنن در ايران به دليلِ تشرّع و تعصّب و تصلّب و تعرّبِ خاص خود هرگز نوروز را به رسميت نشناخت. با همهء كوشش پي‌گير شعوبيانِ سُنّي در تعديل تسنن و انعطاف پذيري آن در پذيرش سنن اصيل ملي ايران و ارائه روايات و فتاوا و قطعات تاريخي در تأييد نوروز از زبان مشايخ بزرگ ايراني تسنن ، توفيقي حاصل نك: النديم / فهرست ١٨٥: روايتي از قول اسماعيل بن حماد بن ابي حنيفه (نوه ی ابو حنيفه) مدعي است كه نياي او نعمان بن مرزبان همان كسي است كه در روز نوروز به حضرت علي پالوده هديه برد و علي گفت: هر روز ما نوروز است. در جشن مهرگان هم گفت: هر روز ما مهرگان است. اين روايت نمونه‌اي از تلاشِ شعوبيّه سنّي براي جا انداختن نوروز و مهرگان نزد محدثان و فقيهان متصلّبِ تسنن است. همين روايت در منابع تسنن تكرار شده; نك: الانساب ٣/٣٧. مشايخ متصلب ايراني تسنن هماره نوروز را از سننِ مجوس مي‌دانستند كه اسلام آن را محو كرده بود. تا آنجا كه فردي چون بيروني نيز خريد و فروش ابزار شادماني نوروز را از بابِ تعظيمِ شعار گبران حرام مي‌دانست . مشايخ ايراني تسنن نك: التفهيم ٢٥٧: «و آنچه براي سده و نوروز فروشند چون سپر

و شمشير چوبين و بوق سفالين، اين در نفس خود حرام نيست اما براي اظهار شعار گبران حرام است ». بزرگداشت نوروز را بدعت مي‌دانستند و تشيع را محكوم مي كردند كه سنتِ منسوخِ مجوس را احياء كرده و براي نوروز عظمت و فضيلت قايل شده و غسل و نماز و روزهء نوروز وضع كرده و اين بدعت محض در دين است چرا كه «عرب روز نوروز را نمي‌شناخته زيرا نوروز از عيدهاي ويژه مجوس بوده است» . نك: دهلوي ۲۱۳: «... بل لم يكن العرب يعلمون يوم النيروز لانه من الاعياد الخاصة بالمجوس». تصلّب و تعرّب تاريخي در فقه و حديث تسنن كاملاً نمودار است. در منابع روايي تسنن كمتر روايت موافقي با نوروز را مي‌توان يافت. و اگر روايت موافقي به اين منابع راه يافته باشد، روايت شيعي است كه معمولاً ضد آن نيز آمده است و يا كه تأويل و توجيه گرديده و نوعي عرب زدگي و تصلب آييني در آن ديده مي‌شود. بخاري از مشايخ برجسته ى ايراني تسنن در برابر روايتي كه مي گويد: «براي علي پالوده آورده شد، فرمود: اين چيست؟ گفتند: امروز نوروز است. فرمود: «هر روز ما نوروز باد» ، روايتي متضاد آورده كه: « ايوب بن دينار از قول پدرش گويد كه علي هداياي (نك: تاريخ الكبير ٤/۲۰۱ ) نوروزي را نمي‌پذيرفت» . بيهقي از مشايخ بزرگ ايراني تسنن همين روايت را اين نك: همان ۱/٤۱٤/۱۳۱۹. گونه آورده است: «براي علي (رض) هديه نوروزي آورده شد. فرمود: اين چيست؟ گفتند: اي امير مؤمنان! امروز نوروز است. فرمود: براي ما هر روز را فيروز سازيد. ابو اسامه گويد: «حضرت ناخوش داشت بگويد نوروز» . نك: سنن ۹/۲۳٤. در معارضه با روايات شيعه كه براي نوروز روزهء مستحبي قايل شده، فقيهان متصلب تسنن فتوا داده‌اند كه: «روزه روز نوروز و مهرگان مكروه است چون تشبّه به مجوس است». «... زيرا اين دو روز را كفّار بزرگ مي‌دانند و در آن روزه مي گيرند» . نك: بدايع ۲/۷۹. نك: المغني ۳/۹۹. بديهي است كه ايرانيان غير مسلمان اين دو روز را روزه نمي گرفتند و نمي گيرند و اصولاً در آيين آريايي روزه موضوعيت ندارد. پيداست كه فقيهان متصلب تسنن بدون آشنايي و شناخت موضوع فتوا داده‌اند و آيين آريايي را با دين عيسي و شريعت موسي قياس كرده‌اند! و بطلانِ قياس كه يكي از اركان فقه تسنن است در همين جا روشن مي‌شود. برخي ديگر از فقيهان تسنن فرموده‌اند: «روزهء نوروز و مهرگان مكروه است مگر كه در ترتيب قرار گيرد يعني نوروز و مهرگان در ميان روزهايي باشد كه قرار گذاشته روزه گيرد» . نك: شرح الكبير ۱۰٦. در قلمرو خلافتِ عربي تقويم ايراني بيش از تقويم عربي و رومي كاربرد داشت چرا كه دقيق‌تر و طبيعي‌تر بود و ايرانيان و اعراب و ديگر ملل مسلمان در داد و ستدهاي روزانه خويش بر اساسِ تقويم ايراني عمل مي كردند. اين موضوع، فقه متصلب تسنن را تحت تأثير قرار داد. برخي فقيهان متصلب كاربرد تقويم ايراني را در معاملات جايز نمي‌دانستند و با شرايطي به سختي مي‌پذيرفتند و برخي ديگر به ناچار آن را به رسميت شناختند. گروهي از فقيهان ايراني و عرب تسنن فتوا دادند كه: <توقيت عقود به ماه هاي ايراني و عرب و رومي و اعياد مسلمانان و عيد نوروز و مهرگان جايز است ... چرا كه ماه هاي ايراني در دولت عباسيان كاملاً شناخته شده و معمول بود. نوروز هم در همين ايام آشكار شد و

..» . نك: المجموع ١٣/١٣٦. + المغني ٨/٢٥٨. + مقايسه شود: المجموع ٩/٢٣٠: «توقيت عقود به نوروز و مهرگان جايز است». در كتاب النهاية آمده است كه آگاهي متعاقدان به زمان نوروز و مهرگان شرط است هرچند كه توقيت اين دو زمان نزد بيشتر مردم مشهور است و همين كافي است». برخي فقيهان دچار ترديد و اضطراب در فتوا شدند. سرخسي از فقيهان مشهور ايراني تسنن در آغاز فتوا مي‌دهد كه:«توقيت عقود به نوروز و مهرگان جايز است و آن زمانِ پرداخت ثمن مي‌تواند باشد» و در جايي ديگر مي گويد كه:« نوروز و مهرگان توقيت خريد مبيع نمي‌تواند باشد چون از زمان‌هاي مسلمانان نيست و مسلمانان آن زمان‌ها را نمي‌شناسند. اگر اين دو زمان نزد متعاقدان معلوم باشد جايز است، زيرا شرطِ صحتِ بيع آگاهي متعاقدان به زمان است» نك: المبسوط ٦/١٩١.«اگر نوروز و مهرگان نزد نك: همان ١٣/٢٨. متعاقدان مجهول باشد، توقيت به آن جايز نيست و عقد فاسد است> . ن.ك: همان ١٩/٥٧. برخي ديگر از فقيهان در عين حال كه دچار تشتت و تعدد فتوا شده‌اند، از روي احتياط واجب شرط كرده‌اند كه آگاهي متعاقدان به زمان نوروز و مهرگان شرطِ صحتِ بيع است و اگر اين دو زمان نزد متعاقدان مجهول باشد، بيع باطل است .نك: بدايع ٥/١٧٨. + همان ٦/٣: «تأجيل به وقت مجهول اگر شبيه آجال معروف نزد مردم باشد مانند توقيت نوروز و ... و مردم به اين اوقات تعين زمان كنند جايز است. شافعي توقيت به نوروز را جايز نمي‌دانست» + المغني ٨/٢٥٨.«تأجيل به غير ماه‌هاي قمري بر دو گونه است: ماه‌هايي كه نزد مسلمانان شناخته شده و مشهور است مانند ماه‌هاي رومي: كانون، شباط و ... يا عيدهايي كه نزد مسلمانان شناخته شده است مانند نوروز و مهرگان. خرقي و ابن ابو موسي گفته‌اند جايز نيست، قاضي گفته است صحيح است، اوزاعي و شافعي گفته‌اند صحيح است» . نك: شرح الكبير ٤/٣٢٩. و اما تشيع ; در بخش دوم اين پژوهش با نگاهي گذرا به سرچشمه‌هاي نخستين نهضت انساني اسلام دريافتيم كه برخلاف واقعيت تاريخي، اسلامِ محمّد به زبان، فرهنگ و سنن اصيل ملي ملل احترام گذاشته و آنها را به رسميت شناخته است و در نهايت با آنها در راستاي توحيد، برخورد تصحيحي تنزيهي داشته است. اين حرمت و رسميت نه تنها در لحظه لحظه زندگي محمد و بيست و سه سال رسالت او مشهود است بلكه اصلي از اصول منشور جاوداني و جهاني نهضت انساني اسلام است. اين واقعيت را در سيره ی رسول اين گونه مي‌توان ديد: آنجا كه برجسته‌ترين ياران محمد; جويبر ،بلال ، ابوذر ، صهيب ، سلمان و ... هر كدام از چهار سوي جهانند، آنجا كه زبان الكن بلال در اقامه و اذان، برتر از زبان فصيح و رساي اعراب است، آنجا كه در قانون اساسي مدينه همهء شهروندان يهودي و مسيحي و مسلمان در همهء حقوق برابرند و در كنار مسجد ، كنيسه و كليسا دارند; آنان اذان خويش مي‌دهند و اينان ناقوس خويش مي‌زنند و ناقور خود مي‌دمند، آنجا كه هيئت برجسته سياسي مذهبي جمهوي عيسوي نجران كانون اصلي مسيحيت جهان با همهء يال و كوپال و شعار و دثار خويش به مسجد رسول ميآيند (آنهم در پي فتح مكه و اقتدار نهضتِ اسلام) و ناقوس مي‌نوازند و صليب ميآويزند و به بيت‌المقدس نماز مي‌برند و محمد با لبي

خندان و چهره‌اي خرسند نظاره‌گر است، آنجا كه ايرانيان مقيم مدينه در هر نوروز جشن مي گيرند و سودانيان دوره‌گرد سيرك خويش بر پاي مي‌دارند و اعراب جزيره به سنن اصيل خويش وفادارند و بسياري از تصاويري كه مؤيد اين واقعيت است و در تاريخ رسمي نيامده است. و در قرآن ؛ آنجا كه در پي واكنش برخي نخبگانِ متعصب و متصلبِ عرب و زمزمهء برتريت قوميّتِ عربيّت، وحي خطاب مي كند كه: «اي مردم! ما شما را از پدري و مادري آفريديم و شما را ملت ملت و قبيله قبيله قرار داديم تا يكديگر را بر اساس تمايز مليت و فرهنگ و زبان باز شناسيد، همانا كه گرامي‌ترين شما نزد خداوند پرهيزكارترين شماست ...» و بدين سان جعل تكويني مليت و قرآن ٤٧/١٣. قوميت و فرهنگ ملل را اعلام داشت و به رسميت شناخت و احترام گذاشت كه اسلام آيين قومي و نژادي و زباني نيست، نهضتي انساني است كه موضوع و غايت آن، انسان و مسائل انساني است. در دوره ی حيات و حضور امام علي بن ابي طالب احترام به فرهنگ و سنن اصيل ملي ملل نيز مشهود است. با توجه به خلق و خوي ايراني كه در هر شرايطي و با هر كميت و كيفيتي در هر نقطه‌اي از جهان كه باشد به سنن ملي خود وفادار است، بي گمان حضور متراكم ايرانيان مسلمان و غير مسلمان مقيم مدينه و جزيره وعراق مستلزم برگزاري جشن‌هاي ملي ايران بوده است . صرف نظر از روايات رسمي انتقاد و سرانجام دشمني اشراف و نخبگان عرب حجاز و عراق با امام علي، از اين رو بود كه آن حضرت به ايرانيان و زبان و فرهنگ‌شان احترام مي گذاشت و حاضر نبود رفتار و گفتار و نگاه تبعيض آميز سه خليفه پيشين را با آنان داشته باشد. اعتراض شديد خليفه دوم در بستر مرگ به ابن عباس به خاطر حمايت همه جانبه بني هاشم از ايرانيان در تاريخ ثبت است. ايرانيان مقيم مدينه و جزيره در دوره حيات امام علي به ويژه در روزگار كودتاي سقيفه، مشكلات خود را با امام علي در ميان مي گذاشتند و آن حضرت پشتيبان آنان بود. نك: همين كتاب: بخش دوم. + نك: الغارات ١/٧٠، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٧٨. + بحار ٤٠/٣٣١، ٣٢١. + ابن ابي الحديد / شرح ١/١٨١.درمنابع شيعي دوره ی حضور امامان مبني بر پذيرش هداياي نوروزي و رسميت نوروز از سوي آن حضرات، شواهد و قراين تاريخي مستند نشان مي‌دهند كه امام علي بن ابي طالب به سنن اصيل ملي ايرانيان احترام مي گذاشته و حتي با سننِ منفي شان برخورد تربيتي ارشادي داشته است; آنجا كه به هنگام عزيمت از كوفه به شام ، ايرانيان مقيم انبار به پيشواز امام علي آمدند و به شيوه‌اي رفتار كردند كه گويي به پيشواز شاهنشاهان ايران مي‌روند; رعايا و اشراف ايراني انبار در بيرون شهر بر سرراه پياده صف كشيده بودند و در جلوي امام علي خود را به خاك انداخته زمين ادب مي‌بوسيدند و گروهي در پيشا پيش آن حضرت بناي تاختن و دويدن گذاشتند. رسم و رفتاري كه با كرامت انساني ناسازگار بود. حضرت پرسيد: اين چه كاري است كه مي كنيد؟ گفتند: اين خلق و خو و راه و رسم ماست كه بدين سان مقدم بزرگان خويش را گرامي مي‌داريم. امام فرمود: به خدا سوگند بزرگان‌تان از اين كار سودي نبرند و شما داريد خود را مي آزاريد و با اين رفتار در دنيا و آخرت زيان كار مي‌شويد . نك: نهج‌البلاغه ٤٧٥/٣٧. بي گمان از آن پس نيز در طول دورهء بلندِ حضور، راهبران

عقيدتي تشيّع ، زبان، فرهنگ و سنن اصيل ملي پيروانشان را محترم مي‌شمردند و برخوردي تصحيحي تنزيهي داشتند. مخصوصاً كه نوروز و مهرگان اصولاً جشن آييني نبودند وگرنه مانند همه جشن‌هاي آييني آريايي منسوخ و فراموش مي‌شدند. در همين دوره ی حضور است كه برخي از ياران و پيروان ايراني و عرب امامان، رواياتي را در رسميت و اعتبار نوروز از قول امامان نقل مي كنند و نوروزيه مي نويسند. مُعلّي بن خُنَيْس يكي از ياران نزديك امام جعفر صادق است كه رواياتي مُعَلّي بن خُنَيْس از جناح مبارز شيعهء دوره ی حضور و شخصيت جنجالي منابع رسمي رجال شيعهء اماميه دوره ی نخست عصر غيبت است. معلي در فهرست ياران نزديك امام صادق قرار دارد اما متهم است كه در آغاز به مُغَيْره بن سعيد عِجْلي گرايش داشته است (مغيره خود متهم است كه غالي افراطي بوده و در باب مسئله خدا و انسان ديدگاه متفاوتي داشته كه با كلام رسمي و عقايد عامه ی مردم ناسازگار بوده است. منابع رجال و تاريخ رسمي مدعيند كه ادعاي رهبری داشته كه با كلام رسمي و عقايد عامهء مردم ناسازگار بوده است. (در سال ١١٩ هجري خالد بن عبدالله قسري استاندار رژيم اموي در عراق مغيره را كشت و جسدش را سوخت)، سپس به قيام محمد بن عبدالله بن حسن (= نفس زكيه) پيوسته و به او دعوت مي كرده است. به همين اتهام داود بن علي عباسي او را در مدينه دستگير و به شهادت رساند. احمد بن حسين بن عبيدالله غضايري افراطي‌ترين نقّادِ رجال راديكال شيعه، روايات او را قابل اعتماد ندانسته چرا كه غاليان يا جناح افراطي شيعه روايات بسياري به نام وي ساخته‌اند. نك: غضايري / كتاب الضعفا، خطي. حرف الميم. ش ١. + قهپايي ٦/١١٠. + برقي ٢٥، ٤٥. + نجاشي ٢٢٨. + كشي ١٨٦ ١٨٨. سليمان فرزند معلي بن خنيس نيز از ضعفاء (= افراد بي‌اعتبار) قلمداد شده است. ن.ك : غضايري / همان. حرف‌السين. همان روايات را پيرامون نوروز از زبان آن حضرت نقل كرده و معروف است كه رساله ی نوروزيه اي داشته است. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٢. + همان ٦/٣٦٧. مؤلف الذريعه مي گويد كه خواجه نصيرالدين طوسي رساله ی نوروزيه منسوب به معلي بن خنيس را به شعر سروده است (؟). خواجه محمد بن علي الحكيم الترمذي (مرگ: ٢٥٥ هـ) از نويسندگان ايراني شيعهء دوره ی حضور اوست كه كتاب نوروز نامه را به فارسي نوشته است . نك: همان ٢٤/٣٧٩: نسخه‌اي از اين رساله كه در سده ی يازده هجري استنساخ شده در كتابخانه دانشگاه تهران نگهداري مي‌شود. ن.ك: فهرست كتابخانه ١٢/٢٦٩٢ ٢٦٩٦. روايات نوروزي مُعلّي بن خنيس به دوره ی غيبت راه يافت و در نخستين آثار رسمي روايي و فقهي مشايخ بزرگ ايراني تشيع ثبت و جاودانه شد و مبناي ديدگاههاي موافق فقيهان اماميه گرديد. بي گمان در روايات منسوب به مُعَلّي ، شوائب شعوبي آشكار است، اما آنچه مسلم است نشان از نظر مثبتي است كه راهبران عقيدتي شيعه نسبت به نوروز داشته‌اند به ويژه كه جشن نوروز جشن بهار و زندگي و خرمي و شادماني انسان و طبيعت است و چنين موضوعي بديهي و طبيعي چگونه مي‌توانسته مورد مخالفت راهبران عقيدتي اسلام باشد. بر اين اساس به درستي مي‌توان پذيرفت كه امام علي هديه يا پالودهء نوروزي ايرانيان را پذيرفته و فرموده كه هر روز ما نوروز باد و يا

که امام صادق نوروز را از صافي توحيد و طهارت و معنويتِ اسلامي گذرانده و رهنمود داده که خوب است در پگاه نوروز غسل کنند و پيراهني پاکيزه و نو پوشند و تن خويش خوشبو کنند و نماز بخوانند و نيايش کنند. عناصر اصلي روايات منسوب به مُعَلّي هم همين مفاهيم است. آنچه بر ذيل آنها افزوده شده پديدهء سدههاي بعد است. شيعيان شعوبي کوشيدند تا همهء فضايلِ ازلي آييني نوروز را به ادبيات و اساطير سامي و وقايع و ايام اسلامي تبديل کنند و اين همه را در ذيل رواياتِ منسوب به معلي گنجاندند. بدين سان بود که فضاي ازلي آييني نوروز و فضايل آن به ادبيات شيعهء اماميه منتقل شد و بخشي از فرهنگ ملي ايران گرديد. با اين همه، گاه اعتبار شرعي نوروز مسئله ی مورد اختلاف برخي فقيهان شيعه ی اماميه بوده است؛ در گذر سدهها و در گسترده ی گستردهء فقاهتِ شيعه، گاه متشرعان متصلبي پديدار ميشدند که با تکيه بر نظريه ی بياعتباري رواياتِ نوروزي منسوب به مُعَلّي و استناد به تنها روايت جعلي مخالف که ساخته ی دستگاه خلافت عباسي است و هدفِ آن کاستن از محبوبيت و نفوذ معنوي راهبران عقيدتي شيعهء دورهء حضور در ميان ايرانيان بوده، در اعتبار شرعي نوروز ترديد و احتياط کردهاند . اما اعتبار مطلق آن را نپذيرفتند. تا آنجا که در سده ی معاصر يکي از دانشمندانِ ايراني شيعهء مقيم عراق رسالهاي در عدم اعتبار شرعي نوروز نوشته و عيد نوروز و مهرگان را بدعت دانسته است. دانشمند مذکور که مدعی انديشههاي اجتماعي اصلاحي است بيگمان به دليل عرب زدگي و همسويي با جهان عرب تسنن که عيد نوروز را بدعت ميدانند، خواسته ساحت تشيع را از اين اتهام پاك کند. نك: علامه خالصي / النيروز; رسالة في بدعة عيد النيروز و سائر الاعياد غيرالاسلاميه. (بغداد ۱۹۵۱ م). و شايد هم علاوه بر هدف فوق، از سر ستيز با سلطنت وقت ايران هم نوشته شده چرا که زمان تأليف رساله مصادف بوده با روند شتابدار باستانگرايي و روزگار غربت و مظلوميت مذهب در ايران و عراق و ... مشايخ بزرگي چون کليني ، صدوق و طوسي و اعتماد آنان در فقه و حديث به رواياتِ معلي و پيروي همهء فقيهان نامدار شيعه در گذر سدهها از اين مشايخ، احتياطِ اين گروه اندك از فقيهان را محو و بي اعتبار کرده است تا آنجا که اين احتياط ها هماره در لابلاي کتاب ها مانده و هرگز در جوامع ايراني شيعه مطرح نشده است. بلکه به عکس، محدثان، فقيهان و مؤلفّان شيعهء اماميه از آغاز تاکنون پيرامون اعتبار شرعي نوروز و فضايل و آداب اسلامي آن دهها رساله و کتاب نوشتهاند که بسياري از آنها به يادگار مانده است . رسالهها و کتابهاي نوروزي منسوب به مؤلفان شيعه اماميه از آغاز تاکنون که به يادگار مانده و يا نامي از آنها در فهرست مؤلفان شيعه آمده به قرار زير است:

۱ معلي بن خنيس / نوروزيه (؟) نك: الذريعة ۲٤/۳۸۲ + همان ٦/۳٦۷.

۲ محمد بن علي الترمذي (م ۲۵۵ ه') / نوروز نامه (به فارسي) نسخهء سدهء ۱۱ هجري در کتابخانه مرکزي دانشگاه تهران. نك: فهرست ۱۲/۲٦۹۲ ۲٦۹٦. نك: الذريعه ۲٤/۳۷۵.

٣ نصر بن عامر بن وهب ابو الحسن البخاري (؟) / كتاب ماروي في... يوم النوروز . نك: نجاشي ٣٠٢.

٤ شيخ الرئيس (ابن سينا / الرسالة النوروزية. نك: اذكايي ١٢٢.

٥ قاسم بن عباد / كتاب الاعياد و فضائل النيروز . ن.ك: النديم / الفهرست ١٥٠. + ؟ / كتاب الاعياد و النواريز . نك: همان ١٦٧.

٦ ابراهيم الحسيني المدرس الخادم / النوروز . (به عربي. تاليف ١٠٩٢ هـ)، نقل مطالبي از شهمردان بن ابي الخير الرازي (سده ى پنجم هجري) مؤلفِ روضة المنجمين و نزهت نامه ى علائي ، نقل كرده است. اين رساله رديه‌اي است بر كتاب نوروزيه آقا رضي قزويني كه نوروز يزدگردي را بر نوروز جلالي ترجيح داده و تاييدي است بر تقديس و تعظيم نوروز نزد شيعه. نسخه خطي به شماره ٤٧٢٧ در مجموعه نسخه‌هاي خطي سده ١١ هجري كتاب خانه دانشگاه تهران. نك: الذريعه ٢٤/٣٧٩ ش ٢٠٤٩، ٢٠٥٨، ٢٠٤١.

٧ ابراهيم الحسيني المدرس الخادم / نوروز (به فارسي)، مؤلف اين رساله را براي شاه سليمان صفوي نگاشته است. نك: الذريعه ٢٤/٣٧١.

٨ محمد باقر بن اسماعيل خاتون آبادي / نوروز نامه (به فارسي. تاليف ١١٢٥ هـ)، مؤلف اين رساله را براي سلطان حسين صفوي نوشته است. نسخه خطي به شماره ٢/١٢٦٢ در دانشگاه تهران و موزه ى بريتانيا به شماره ١١٠٠١. نك: الذريعه ٢٤/٣٧٩ ٣٨٠.

٩ اسماعيل بن محمد باقر خاتون آبادي / نوروزيه . نك: الذريعة ٢٤/٣٧٩.

١٠ رشحهء اصفهاني / نوروز و جمشيد . نك: الذريعه ٢٤/٣٨٠. + ٩/٣٥٩. + ١٩/٣٢٨.

١١ محسن بن مرتضي فيض كاشاني / نوروز و سي روز . شرح فارسي روايات منسوب به معلّي بن خنيس. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٠. اين شرح روايتي است كه شيعيان شعوبي بر ذيل يكي از روايات منسوب به معلي افزوده‌اند و دانشمندان شيعه در گذر سده‌ها پيرامون آن شرح و تفسير نوشته‌اند!

١٢ ابراهيم حسيني نيشابوري (م ١٠١٢ هـ) / نوروزيه (به فارسي). صاحب كتابِ رياض مي گويد: «نوروز همواره مسئله مورد بحث فضلا بوده و گاه به نبردي بزرگ ميان‌شان تبديل مي‌شده تا آنجا كه پيرامون آن رساله‌هاي مستقلي نوشته‌اند». نك: الذريعه ٢٤/٣٧٩ ٣٨٠.

١٣ ملا اسماعيل خواجويي / نوروزيه (به فارسي)، شرح رساله ى نوروزيه

عمادالـدين بـن مسـعود كـه بـراي سـلطان ميـرزا نوشـته اسـت. نسـخه خطـي: فهرسـت كتابخانه مجلس ٩/٣٢٢ ٣٢٦. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٠.

١٤ محمـد حسـين بـن محمـد صـالح حسـيني / نوروزيـه (بـه فارسـي)، نـك: الذريعـه ٢٤/٣٨١ + ١٦/٣٨٠.

١٥ محمـد حسـين بـن ميـرزا ابوالحسـن قـايني / نوروزيـه (بـه فارسـي؟)، رسـاله دفاعيـه‌اي از نـوروز جلالـي و پاسخ بـه آقـا رضـي قزوينـي كـه از نـوروز يزدگـردي دفـاع كرده بود. نك: الذريعه ٢٤/٣٨١.

١٦ محمـد بـن حسـن معـروف بـه آقـا رضـي قزوينـي / نوروزيـه (بـه فارسـي)، رسـاله‌اي در تعيـين روز نـوروز بـر اسـاس تقـويم يزدگـردي. نـك: الذريعـه ٢٤/٣٨٢. + ١٨/٣٠٢ /٣٠٤

١٧ مـلا محمـد بـاقر بـن اسـماعيل كجـوري / النوروزيـه (قصـيدهء نوروزيـه بـه شـعر. بـه عربـي) در هشـت هـزار بيـت، رويـه‌اي بـر ميـر مخـدوم سـني مـذهب صـاحب كتـاب نواقص الروافض كه در آن نوروز و غدير را انكار كرده بود.

١٨ محمـد تقـي بـن محمـد رضـا رازي / نوروزيـه ، (بـه فارسـي؟) رسـاله‌اسـت كـه بـراي شـاه صـفي صـفوي نوشـته اسـت. نسـخه خطـي: فهرسـت كتـب خطـي كتابخانـه دانشـگاه تهران ٢/٢٥١٧. + كتابخانه ملك به شماره ٣٦٢. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٢.

١٩ محمـد جعفـر بـن محمـد بـاقر شـريف سـبزواري / رسـاله ي نوروزيـه ، پيرامـون فضـايل و آداب و اعمـال نـوروز. مؤلـف ايـن رسـاله را بـراي سـلطان حسـين صـفوي نوشته است. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٣.

٢٠ غيـاث الـدين اديـب كاشـاني / نوروزيـه (بـه فارسـي)، مؤلـف از مترجمـان دارالترجمـه ناصـرالدين شـاه قاجـار بـوده و ايـن رسـاله را در بـاره تـاريخ نـوروز و اقـوال گذشتگان در باره نوروز نوشته است. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٥.

٢١ عمـاد الـدين محمـد بـن مسـعود / نوروزيـه (بـه فارسـي)، مؤلـف ايـن رسـاله را براي سلطان حمزه ميرزا نوشته است. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٣.

٢٢ ميـرزا مهـدي هدايـة اللـه خراسـاني (١١٥٢ - ١٢١٧هـ) / نوروزيـه (بـه فارسـي)، ايـن رسـاله رديـه‌اي اسـت بـر نوروزيـه ي اسـماعيل خواجـوئي. نسـخه خطـي: كتابخانه مجلس ٩/٣٢٢ ٣٢٦. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٤.

٢٣ وقار شيرازي / نوروزيه . نك: الذريعه ٢٤/٣٨٣. + ٩/١٢٧٦.

٢٤ سيد علي نقي / نوروز و غدير . تأليف ١٣٥٢ قمري. به زبان اردو.

٢٥ نوروز نامه اثني عشر . چاپ هند؟. نك: الذريعه ٢٤/٣٨٠.

۲٦ محمد علي ميلاني / نوروز . چاپخانه خراسان؟.
۲۷ سيد مهدي نوري تبريزي / نوروز نامه (تأليف ۱۳۰۸ خورشيدي). نك: الذريعه ۲٤/۳۸۰. + ۹/۱۱۸٥.
۲۸ سيد هاشم نجفي يزدي / رسالهء نوروزيه نجفي (يزد. چاپخانه پاينده. ۱۳۷۱ ق)
۲۹ النوروز في... مصادر الفقه و الحديث (مركز معجم الفقهي. قم. مدرسه آيت الله گلپايگاني)
و نيز آثار زير كه مي‌تواند ميراث شيعي يا سني باشد:
۳۰ ابوالحسين احمد الرازي / كتاب النيروز . نك: اذكايي ۱۲۲.
۳۱ حمزة بن الحسن الاصفهاني / وسالة في النيروز . نك: اذكايي ۱۲۲.
۳۲ حمزة بن الحسن الاصفهاني / كتاب الاشعار السائره في النيروز و المهرجان . نك: اذكايي.
۳۳ راغب اصفهاني (؟) / النيروز . نك: قزويني / يادداشتها ۱۰/۳۱۷، + ۲/۳۳۲. + ۱/۱۲۱، ۱۷۷، ۳۰۷.
۳٤ عمر بن خيام نيشابوري / نوروز نامه (به كوشش علي حصوري. چاپ اول. تهران ۱۳٤۳. + چاپ دوم. طهوري. تهران ۱۳٥۷ خورشيدي).
۳٥-افتخارزاده،محمودرضا / نوروز باستاني(نوروز ساساني، يلدا،چهارشنبه سوری، نوروزسلطانی)مدبر.تهران.۱۳۸۲خورشیدی.
۳٦-افتخارزاده ،محمودرضا / فضائل نوروز در ادبيات شيعه(مدبر.تهران.۱۳۸۹خورشيدی.به فارسی و عربی)
۳۷-افتخارزاده،محمودرضا /اسلام و ايران ؛ مذهب و مليت ايرانی(مقاله ی نوروز. همين مقاله)۱۳۷۷خورشيدی.تهران.رسالت قلم.
بر اين اساس، نوروز در ايران پس از اسلام به ويژه در فرهنگ شيعه، محتوا و شكل اسلامي گرفته، در منابع حديث و فقه شيعهء اماميه جا يافته و همواره با ادبيات و آداب و ادعيه اسلامي شيعه آغاز و برگزار شده و مي‌شود. روايات و سير تاريخي نوروز را در منابع حديث و فقه شيعه اماميه و ديگر فرق شيعه از نظر مي گذرانيم:

## آداب و اعمال و ادعيهء نوروزي

شيخ‌الطايفه طوسي (٤٦۰ ق) از مشايخ بزرگ شيعه اماميه در كتاب مصباح

المتهجّد روايتي منسوب به معلي بن خنيس آورده كه او از قول امام صادق : درباره‌ء نوروز نقل كرده كه فرمود:«هر گاه روز نوروز شود غسل كن و پاك‌ترين پيراهنت را بپوش و با خوشبوترين عطرهايت خود را خوشبو كن و آن روز را روزه باش، پس از خواندن نمازهاي نافله و ظهر و عصر، چهار ركعت نماز بخوان; در ركعت اول پس از حمد ده بار سوره قدر (انا انزلناه في ليلة القدر)، در ركعت دوم پس از حمد ده بار سوره‌ء كافرون (يا ايها الكافرون)، در ركعت سوم پس از حمد ده بار سوره‌ء توحيد (قل هو الله احد)، در ركعت چهارم پس از حمد ده بار سوره‌ء فلق (قل اعوذ برب الفلق) و ده بار سوره‌ء ناس (قل اعوذ برب الناس)را بخوان، پس از چهار ركعت نماز، سجده شكر به جا آور و در آن دعا كن كه گناهان پنجاه سال تو را بيامرزد» . همين روايت در ديگر منابع حديث شيعه آمده و مبناي فتواي فقيهان نامدار اماميه گرديده است. ابن ادريس از مشايخ برجسته‌ء عرب شيعه‌ء اماميّه گويد: «استاد ما طوسي در كتاب مختصر المصباح گفته است مستحب است روز نوروز چهار ركعت نماز خوانده شود ...». شهيد اول (شهادت ٧٨٦ ق) و شهيد ثاني (شهادت ٩٦٥ ق) از مشايخ برجسته عرب شيعه با استناد به روايت معلي و اعتماد طوسي به آن و در نتيجه عمل اصحاب و سيره ی فقهاد و شهرت فقهي، در همه ی آثار فقهي خويش گفته اند: «از جمله غسل‌هاي مستحبي، غسل روز نوروز ايرانيان است» . احمد بن فهد حلي از محدثان و فقيهان نامدار شيعه اماميه كه همه ی روايات منسوب به معلي را در كتاب مهذب البارع آورده گويد: «با استناد به روايت معلي كه طوسي آن را در مختصرالمصباح نقل كرده از جمله غسل‌هاي مستحبي، غسل روز نوروز است و نيز مستحب است كه در آن روز روزه گيرد و پس از نماز ظهر و عصر چهار ركعت نماز بخواند و سپس سجده شكر كند و دعا نمايد كه گناهان پنجاه سال آمرزيده شود». نك: القواعد ١/٣. + البيان ٤. + الذكري ٢٣. + الدروس ٢. + اللمعه ٣٤. + شرح لمعه ١/٣١٦. نك: ابن ادريس / السرائر ١/٣١٥. نك: الطوسي / مصباح ٥٩١. همين روايت در كتب روايي شيعه از جمله: وسائل ١/٢٤/٣٤٦/٧. + ١/٢٤/٤٢٨/٢. + ١/٤٨/٢٨٨/٥، ٢. صاحب كتاب حدائق الشيعه‌ء گويد:«بنا به خبر معلي كه طوسي در (نك: مهذب ١/١٩١.) مصباح و ابن فهد در مهذب آورده از جمله غسلهاي مستحبي غسل روز نوروز است و از جمله روزه‌هاي مستحبي روزه‌ء روز نوروز است» . فقيهاني چون صاحب (نك: حدائق ٤/٢١٢. نك: همان ١٣/٣٨٠.) الجامع للشرايع ،

صاحب کشف الغطا ، صاحب کشف اللثام و صاحب حبل المتين همه فرموده‌اند که: «بنا به روايت معلي که طوسي در مصباح آورده از جمله غسل‌هاي مستحبي، غسل نوروز ايراني است و از جمله روزه‌هاي مستحبي روزهء روز نوروز است» . صاحب مستند الشيعه نيز با استناد به روايت معلي مندرج در مصباح فرموده ( نك: الجامع الشرايع ۳۳. + کشف الغطا ۳۲٤. + کشف اللثام ۱/۱۱. + حبل المتين ۸۰.) است که :«از جمله غسلهاي مستحبي غسل روز نوروز و از جمله روزه‌هاي مستحبي (نك: المستند ۱/۲۰۸.) روزه روز نوروز است» . شيخ بهايي در جامع عباسي که نخستين رساله ی فقهي روزگار صفوي است پيرامون آداب و اعمال نوروز فرموده است: «از جمله غسل‌هاي مستحبي غسل روز نوروز است» . «نماز روز نوروز و آن چهار رکعت است به دو سلام؛ در رکعت اول يک نوبت فاتحه و ده نوبت انا انزلناه، در رکعت دويم بعد از فاتحه ده نوبت قل يا ايها الکافرون، و در رکعت سيم بعد از فاتحه ده نوبت قل هو الله احد، و در رکعت چهارم بعد از فاتحه هر يک از قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب‌الناس ده نوبت، و بعد از سلام به سجده رود و اين دعا را در سجده بخواند: اللهم صلّ علي محمد و آل محمد الاوصياء المرفيين و علي جميع اسمائك و رسلك افضل صلواتك، و بارِكْ عليهم بافضل برکاتك و صلِّ علي ارواحهم و اجسادهم. اللهم بارِكْ علي محمد و آل محمد و بارِكْلنا في يومنا هذا الذّي فضّلته و کرّمته و شرّفته و عظّمت خطره، اللهم بارك لي فيما انعمتَ به علّي حتي لا اشکر اِحداً غيرك، و وَسّعْ علّي في رزقي يا ذالجلال و الاکرام. و وقت اين نماز بعد از فارغ شدن است از نماز ظهر و عصر و نافله آن که در اول وقت گذارده شود». نك: همان ۷۸. نك: جامع عباسي ۱۱. فارسي نك: همان ۲/۱٤٤. + ۱۷/۲۹۹: روز نوروز مستحب مؤکد است.علامه ی مجلسي که همهء روايات نوروزي معلّي را گردآوري کرده در ابواب فقهي بحار الانوار ،فضايل و آداب و اعمال نوروز از جمله غسل و نماز و روزهء مستحبي نوروز را تاييد کرده است . نك: بحار ۷۸/۲۱، ۲٤. + ۹۵/٤۱۹. + ۹۷/۳۸٤. صاحب وسائل الشيعه که دايرة المعارف مباني فقه شيعه اماميه است، با نقل روايات معلي مندرج در مصباح طوسي به غسل و نماز و روزه نوروز قائل شده است . نك: الوسائل ۲/٤۲۸/۲٤/۱. + ۵/۲۸۸/٤۸/۱، ۲. + ۷/۳٤٦/۲٤/۱. صاحب جامع المقاصد نيز بر اعتبار شرعي نوروز تاکيد کرده و آداب و اعمال آن را پذيرفته است . شيخ مرتضي انصاري از مشايخ برجسته متأخر شيعه فرموده است ن.ك:

جامع‌المقاصد ١/٧٥. + ٤/٢٣٠. كه بنا به روايت معلي در مصباح و جامع المقاصد و بنا به قول مشهور ميان متأخران كه روايت آنان خبر معلي است، آداب و اعمال نوروز را پذيرفته و غسل نوروز را از جمله غسل‌هاي مستحبي دانسته است و سپس روايات منسوب به معلي را در فضيلت نوروز و تعيين روز نوروز آورده است . نك: مكاسب ٣٢٨. صاحب جواهر نيز با استناد به روايات معلي در مصباح و مهذب فرموده: «از جمله غسل‌هاي مستحبي غسل روز نوروز است كه در ميان فقيهان متأخر مشهور است. در ميان فقيهان متأخر درباره خبر معلي مخالفي نيافتم» و سپس با نقل روايت بلند معلي در فضيلت نوروز فرموده: <<در اعتبار و فضيلت نوروز همان چه از بزرگان شيعه مانند طوسي و ... نقل شده كافي است و ديگر حرفي براي مناقشه در غسل مستحبي نوروز وارد نيست>> و فرموده: «از روايات استفاده مي‌شود كه روزه روز نوروز مستحب مؤكد است».صاحب عروة الوثقي نيز فرموده: «از جمله غسل‌هاي نك: همان ١٧/١١٣. مستحبي غسل روز نوروز است». «و از جمله روزه‌هاي مستحبي روزهء روز نوروز است» نك: عروةالوثقي ١/٤٦١+ همان ٢/٢٤٢. نك: جواهر ٥/٤٠.

## هديه‌هاي نوروزي

شيخ صدوق (٣٨١ ق) از مشايخ بزرگ شيعهء اماميه در كتاب من لا يحضره الفقيه نقل كند كه: «براي امام علي هديه نوروزي آورده شد. فرمود: «اين چيست؟ گفتند: اي امير مؤمنان! امروز نوروز است. فرمود: هر روز را براي ما نوروز كنيد يا كه فرمود: هر روز ما نوروز باد» . نك: صدوق / الفقيه ٣/٣٠٠. همين روايت در: الوسائل ١٢/٢١٣/١٤، ١٥. كليني رازي (٣٢٩ ق) از مشايخ بزرگ شيعهء اماميه عصر نخست غيبت در كتاب فروع كافي آورده است كه: <گروهي از اصحاب ما از سهل بن زياد و احمد بن محمد ، و همگي از ابن محبوب و او از ابراهيم كرخي نقل كرده‌اند كه گفت: از امام صادق : دربارهء مردي پرسيدم كه داراي باغستانِ بزرگي است و هر گاه روز مهرگان يا نوروز شود رعاياش براي او هديه ميآورند و صاحب باغ نمي‌خواهد با قبول هديه‌ها با آنان ابراز دوستي و نزديكي كند؟ فرمود: مگر آنان نماز نمي‌برند؟ گفتم: آري! فرمود:

بايد هديه‌شان را بپذيرد و او هم جبران كند چرا كه رسول خدا فرمود: اگر به من پاچه ي گوسفندي هديه شود مي‌پذيرم، چرا كه قبول هديه از دستورات دين است و ...» . همين روايت را صدوق و طوسي نيز نقل كرده‌اند. نك: كليني / الكافي ٥/١٤١. نك: صدوق / الفقيه ٣/٣٠٠. نك: طوسي / التهذيب ٦/٣٧٨/١١٠٨/٢٢٩. همين روايت در وسائل نيز آمده است; نك: الوسائل ١٢/٢١٥/٩٠/١. ابن شهرآشوب مازندراني از مشايخ شيعهء سده ششم هجري در كتاب مناقب آل ابي طالب روايتي آورده كه مي گويد: «عامص بن ميثم (؟) شيره ي خرما را به امام علي هديه كرد. علي آن را بر سفره نهاد و با يارانش خوردند ... ابو حُريز (؟) گويد كه ايرانيان روز نوروز جام‌هاي نقره‌اي به امام علي : هديه مي كردند كه در آنها شكر بود، حضرت شكرها را ميان يارانش تقسيم مي كرد و هدايا را به حساب جزيه ايرانيان مي‌نوشت. يكي از اشراف ايراني پيراهني زربفت به علي هديه كرد، عمرو بن حُريث آن را به چهار هزار درهم از حضرت خريد» نك: بحار ٤١/١١٨ + مناقب. + الغارات ١/٦٢: «يكي از دهگانان پيراهني زربفت براي علي فرستاد، عمروبن حريث آن را به چهار هزار درهم خريد و ...». صاحب دعائم الاسلام روايتي آورده كه مي گويد: «به علي : پالوده اهداء شد. فرمود: اين چيست؟ گفتند: روز نوروز است. فرمود: «اگر مي‌توانيد هر روز را نوروز كنيد». يعني در راه خدا هديه دهيد و صله رحم نماييد».نك: دعائم‌الاسلام ٢/٣٢٦. + الغارات ١/٨٨: «براي علي پالوده آوردند، آن را نخورد. فرمود: از چيزي كه رسول خدا خورده باشد من هم نمي خورم». احتمالاً بخاري در تاريخ الكبير همين پالوده را پالوده نوروزي دانسته و نخوردن حضرت را از باب عدم رسميت و اعتبار شرعي نوروز و هداياي نوروزي گرفته است. در حالي كه منظور حضرت اين است كه چون رسول در دنيا از پالوده محروم بود، من هم از گلويم پايين نمي‌رود. صاحبِ كتابِ مُحَلّي گويد: «از طريق ابن ابي شيبه ، حديث كرد ما را وكيع، حديث كرد ما را مهدي بن ميمون از ابن سيرين كه گفت: در مدينه آموزگاري بود كه فرزندان اشراف و اعيان را درس مي‌داد، در روز نوروز و مهرگان برايش هديه مي‌بردند» . نك: المحلي ٨/١٩٥.

**اعتبار شرعي توقيت نوروز و تعيين روز نوروز**

از آنجا كه نوروز داراي آداب و اعمال و ادعيه و نماز و روزه اسلامي شده بود تعيين دقيق روز آن بسيار ضروري بود. از طرفي تعيين مدت يا زمان در معاملات و عقود اسلامي يكي از اركان و شرايط صحت

آنهاست. پس از حضور اعراب در ایران و کاربرد تقویم عربي در کنار تقویم رومي، تقویم ایراني را تحت‌الشعاع و سرانجام از یادها برده بود. با این همه ایرانیان مسلمان بر اساس تقویم ایراني به داد و ستد مي‌پرداختند و در نهایت این امر موجب شناخت و شهرت تقویم ایراني شد و اعراب نیز براساس تقویم ایراني عمل مي کردند. مشایخ بزرگ ایراني تشیع که با تقویم ایراني آشنا بودند، توقیت نوروز را شرعي و تعیین روز آن را در آثار فقهي خویش بیان کردند. بدین سان توقیت و تعیین نوروز یکي از مباحث فقه شیعه امامیه شد: شیخ الطایفه طوسي در کتاب فقهي المبسوط فرموده است: <براي یافتن روز نوروز به سال رومي که با ایلول آغاز و با آپ پایان مي‌یابد و یا به سال ایراني که با فروردین آغاز و با اسفندارمذ ماه پایان مي‌یابد، باید دانست که ماه فروردین ماه نوروز است. در چنین صورتي اعمال نوروز مستحب مي‌شود اما اگر نوروز را گم کردي و ندانستي در کدام ماه است اعمال آن مستحب نیست. و نیز اگر مسمانان عیدي از عیدهاي اهل ذمّه مانند مهرگان و نوروز را عید نامیدند جایز است زیرا این عیدها در میان مسلمانان هم مانند اهل ذمه شهرت دارد» . نك: المبسوط ۳/۲۵۵. ابن ادریس از مشایخ برجسته‌ء عربِ شیعه ی امامیه که گویا با تقویم ایراني آشنا نبوده سخت کوشیده تا روز نوروز را به جهت تربت آثار شرعي بر آن، پیدا کند. از این رو در کتاب السرائر فرموده است: «استاد ما طوسي در کتاب مختصر المصباح ... نگفته که نوروز چه روزي است، روز و ماه آن را در میان ماههاي رومي و عربي معیّن نکرده است. اما محققان علم هیئت گفته‌اند که روز نوروز، روز دهم از ماه ایار رومي که ۳۱ روزه است مي‌باشد. هر گاه ۹ روز از ماه ایار گذشت روز دهم نوروز است» و نك: السّرائر ۱/۳۱۵. از آن پس تا کنون همه فقیهان نامدار شیعه ی امامیه در آثار فقهي خود به توقیت شرعي و تعیین روز نوروز اشاره کرده‌اند: شهید اول و شهید ثاني در آثار خود فرموده‌اند: <متعاقدان اَگر زمان نوروز را در ماه‌هاي ایراني بدانند، توقیت به نوروز جایز است> <تعیین زمان عقد به ماه‌هاي (نك: الدروس ۳۳۸. )ایراني جایز است و نیز اگر متعاقدان روز نوروز و روز مهرگان را در ماه‌هاي ایراني بدانند توقیت به آن دو روز جایز است»«در زمان ما مشهور آن است که نوروز زماني است که خورشید در برج حمل باشد »نك: همان ۳۵٦. +نك: شرح‌لمعه ۱/۳۱٦. احمد بن فهد حلي در کتاب مهذب البارع گوید: «وز نوروز روز گرانقدري است و تعیین آن روز در سال مشکل است، با توجه به این که شناخت آن روز از این جهت که عبادت مطلوب شارع به آن تعلق گرفته مهم است زیرا امتثال امر شارع متوقف بر شناخت آن روز است، هیچ کدام از علماي ما به تعیین روز نوروز نپرداخته‌اند به جز ابن ادریس که گفته بنا به تحقیق اهل هیئت و نجوم، نوروز بنا به ماه‌هاي رومي روز دهم ماه ایار است. شهید نوروز را اول سال ایراني دانسته یا حلول شمس در برج حمل و یا دهم ماه ایار رومي. فقیهان ایراني نوروز را اول سال خود مي‌دانند ...» . نك: مهذب ۱/۱۹۱. محقق کرکي فقیه نامدار روزگار نخست صفوي در جامع المقاصد فرموده است: «نوروز ایراني آغاز سال ایراني است و آن حلول شمس در برج حمل است برابر با دهم ماه ایار رومي برابر با اول فروردین ایراني». «تعیین وقت و زمان عقود ( نك: جامع

المقاصد ۱/۷۵ ) به ماه‌هاي رومي و ايراني جايز است از جمله به نوروز و مهرگان كه روزهاي معين و شناخته شده‌اي در ميان ماه‌هاي ايراني است». صاحب كتاب المسالك فرموده:«تعيين زمان در عقود بايد از روزهايي باشد كه همه مردم آن را بشناسند. روز نوروز و مهرگان و عيد فصح را بيشتر مردم نمي دانند كه چه روزي است و در كدام ماه است ...» . همان ٤/٢٣٠. مؤلف مجمع الفائده گفته است : «نوروز ايراني زماني است كه خورشيد در برج حمل است». صاحب كشف اللثام فرموده: «بنا به گفته ابن ادريس در سرائر نوروز روز دهم ماه ايار رومي است، روزي كه خورشيد در برج حمل قرار مي گيرد». شهيد در ذكري گفته كه :«آغاز سال ايراني برابر است با حلول خورشيد در برج حمل يا روز دهم ماه ايار رومي و ...». صاحب حدايق الشيعه گفته است: «... بايد كه زمان براي متعاقدان كاملاً معلوم باشد به گونه‌اي كه در آن احتمال كم و زياد نرود شناخت شخصي فرد از زمان عقد كافي نيست مانند نوروز كه عبارت است حلول خورشيد در برج حمل و مهرگان كه رفتن خورشيد به برج ميزان است». نك: الحدائق ٢٠/٢٦. همه ي اقوال فقيهان شيعه ي اماميه پيرامون تعيين روز نوروز در: بحار ٥٦/٩١ ١٤١. نك: كشف‌اللثام ١/١١. نك: مجمع ٢/٧٣.شيخ الفقهاء مرتضي انصاري فرموده است: «بنا به نظر صاحب تذكره ، توقيت به نوروز و مهرگان جايز است، زيرا زمان آن دو در ميان مردم شناخته شده است ...» نك: المكاسب ٣٠٤. صاحبِ جامع المدارك فرموده است: «مي توان نوروز و مهرگان را توقيت در عقد قرار داد ...» صاحبِ جواهر فرموده است:«در صورتي كه متعاقدان زمان نوروز و مهرگان را بدانند توقيت به آن دو روز جايز است» . شيخ عباس قمي در الكني و الالقاب سخنان بيروني را درباره ي تعيين روز نوروز آورده است . نك: الكني ١/٧٨. + جواهر ٢٣/١٠١ + ٢٤/٣١٢. نك: جامع‌المدارك ٣/١٨٢.علامه مجلسي در بحار الانوار روايتي از قول ابن عباس نقل كرده كه گفته است: «روز عاشورا مصادف بود با روز شنبه يهود و مقارن با روز اول سال ايراني كه روز نوروز باشد شده بود. نوروز ايراني روز عيد است و مردم در آن روز از همه سو گرد آيند» . نك: بحار ١٣/١٤٨.

## فضائل نوروز

رواياتِ فضايلِ نوروز منسوب به معلّي بن خُنَيْس كه بي گمان ساخته‌ء شعوبياتِ شيعي است از سده‌ء نهم هجري واردِ ادبياتِ شيعه اماميه شده است چرا كه تا پيش از آن در آثار مشايخ ايراني برجسته‌ء اماميه; كليني ، صدوق ، طوسي و ... و يا در ديگر منابع رسمي و مشهور اماميه ديده نمي‌شود. احمد بن فهد حلي از مشايخ عربِ اماميه همه‌ء رواياتِ نوروزي منسوب به مُعَلّي بن خُنَيس را در كتابِ مهذب البارع آورده و ضمن شرح و تفسير آنها تاييد كرده است. ديگر مشايخ حديثِ شيعه از جمله علامه ي مجلسي در بحار الانوار و حرّ عاملي در وسائل

الشـــيعه از مهـــذب نقـــل كـــردهانـــد. مرحـــوم مجلســـي در بحـــار الانـــوار كـــه دايرةالمعـــارف روايـــي، تـــاريخي، فقهـــي شـــيعهء اماميـــه اســـت همـــهء روايـــات مربـــوط بـــه نـــوروز را گـــرد آورده و بـــه تبـــيين و توجيـــه آنهـــا پرداختـــه اســـت. احمـــد بـــن فهـــد حلـــي در مهـــذب آورده اســـت كـــه: «حـــديث كـــرد مـــرا مـــولي ســـيد مرتضـــي علامـــه بهاءالـــدين علـــي بـــن عبدالحميـــد نسّـــابه، آنچـــه را كـــه بـــه اســـناد خـــويش از قـــول معلـــي بـــن خنـــيس و او از قـــول امـــام صـــادق : نقـــل كـــرده اســـت كـــه: «روز نـــوروز روزي اســـت كـــه در آن پيـــامبر اســـلام در غـــدير خـــم بـــراي اميرالمـــؤمنين : از اُمـــت بيعـــت گرفـــت ...». نـــك: مهـــذب ١/١٩١. همـــين روايـــت در: الوســـائل ٥/٢٨٨/٤٨/٢ + مجلســـي / بحـــار . روايـــت ديگـــري منســـوب بـــه معلّـــي در مهـــذب آمـــده اســـت كـــه:«معلـــي گفـــت: در پگـــاه نـــوروز بـــر امـــام صـــادق وارد شـــدم. فرمـــود: اي معلـــي! آيـــا مـــيداني امـــروز چـــه روزي اســـت؟ گفـــتم: نـــه، ولـــي ايـــن قـــدر مـــيدانـــم كـــه امـــروز را ايرانيـــان بـــزرگ شـــمرند و در آن بـــه يكـــديگر مبـــارك بـــاد گوينـــد. فرمـــود: بـــه خانـــه ی كعبـــه ســـوگند، بزرگـــي امـــروز در ايـــن نيســـت بلكـــه عظمـــت نـــوروز در موضـــوعي بـــس كهـــن اســـت كـــه اينـــك آن را بـــراي تـــو بـــاز مـــي گـــويم تـــا بـــداني ...».نـــك: الوســـائل ٥/٢٨٨/٤٨/٣. مقايســـه كنيـــد: رســـاله ی پهلـــوي مـــاه فـــروردين و روز خـــرداد. پيشـــين + الاوائـــل ١/١٨٥ ١٨٦. علامـــه مجلســـي همـــين روايـــت را بـــا انـــدكي اخـــتلاف بـــا ذكـــر سلســـله ســـند كـــه بيشـــتر رجـــال ســـند ايرانـــي و ناشـــناخته هســـتند و بـــدون ذكـــر منبـــع يـــا منـــابع آن، ايـــن گونـــه آورده اســـت: «در برخـــي كتـــابهـــاي معتبـــر ايـــن روايـــت را ديـــدم: فضـــل اللـــه بـــن علـــي بـــن ...، از ابـــو عبيداللـــه بـــن جعفـــر بـــن محمـــد دوريســـتي، از ابـــو محمـــد جعفـــر بـــن احمـــد قمـــي، از علـــي بـــن بـــلال، از محمـــد بـــن يوســـف، از حبيـــب الخيـــر، از محمـــد بـــن حســـين صـــائغ، از پـــدرش، از معلـــي بـــن خنـــيس نقـــل كنـــد كـــه گفـــت: روز نـــوروز بـــر امـــام صـــادق وارد شـــدم، فرمـــود: مـــيداني امـــروز چـــه روزي اســـت؟ گفـــتم: فـــدايت شـــوم! امـــروز روزي اســـت كـــه ايرانيـــان آن را بـــزرگ دارنـــد و بـــه يكـــديگر هديـــه دهنـــد. امـــام صـــادق فرمـــود: بـــه كعبـــه ســـوگند كـــه عظمـــت نـــوروز بـــه خـــاطر موضـــوعي بـــس كهـــن اســـت كـــه اينـــك برايـــت مـــي گـــويم تـــا بفهمـــي . گفـــتم: ســـرورم! ايـــن دانشـــي كـــه نـــزد تـــو اســـت بـــرايم دوســـت داشـــتنيتـــر از زنـــده شـــدن مردگـــانم و مـــردن دشـــمنانم مـــيباشـــد. فرمـــود: اي معلّـــي! روز نـــوروز روزي اســـت كـــه خداونـــد در آن از بنـــدگانش پيمـــان گرفـــت تـــا او را بپرســـتند و ذرهاي بـــه او شـــرك نورزنـــد و بـــه پيـــامبران و حجـــتهـــاي او ايمـــان آورنـــد و بـــه امامـــان : ايمـــان آورنـــد، نـــوروز نخســـتين روزي اســـت كـــه خورشـــيد در آن درخشـــيد، بـــاد وزيـــد و ســـياره زمـــين آفريـــده شـــد. نـــوروز روزي اســـت كـــه كشـــتي نـــوح : بـــر كـــوه جـــودي قـــرار گرفـــت، نـــوروز

روزي است كه خداوند كساني را كه از سرزمين‌شان از ترس مرگ گريخته بودند و هزاران نفر بودند، و خداوند آنان را ميرانده بود در روز نوروز زنده كرد. نوروز روزي است كه جبريل در آن روز بر پيامبر نازل شد. نوروز روزي است كه پيامبر در آن روز علي را بر شانه خود سوار كرد تا بت‌هاي قريش را از بلنداي كعبه فرو افكند. ابراهيم نيز در نوروز بت‌ها را شكست، نوروز روزي است كه پيامبر به يارانش فرمود تا با علي : به امارت مؤمنان بيعت كنند، نوروز روزي است كه پيامبر علي : را روانه سرزمين جن كرد تا از آنان براي وي بيعت بگيرد، نوروز روزي است كه براي بار دوم با علي : بيعت شد، نوروز روزي است كه در آن علي : بر خوارج نهروان پيروز شد و ذوالثديه را كشت، نوروز روزي است كه در آن قائم ما و واليان امر پديدار شوند، نوروز روزي است كه در آن قائم ما بر دجال پيروز شود و او را در كناسه ي كوفه بر دار آويزد، نوروزي نيست كه ما در آن انتظار فرج نداشته باشيم چرا كه نوروز از روزهاي ما و شيعيان ما است، عجم نوروز را نگهداشتند و شما آن را نابود ساختيد و فرمود: پيامبري از پيامبران از پروردگارش پرسيد چگونه اين قوم را كه از سرزمين‌شان گريختند و مردند، زنده كند، خداوند به او وحي كرد كه در روز نوروز در خوابگاه‌شان آب بريز، نوروز نخستين روز از سال ايراني است، آنان سي هزار نفر بودند، زنده شدند و زيستند. بر اين اساس آب پاشيدن در روز نوروز سنت شد. گفتم: سرورم! فدايت شوم! آيا مرا از نام‌هاي روزهاي ايراني آگاه نمي كني؟ فرمود: اي معلي! روزهاي ايراني روزهاي بسيار كهن از ماه‌هاي بسيار كهن هستند، هر ماهي بدون كم و زياد سي روز است: نخستين روز هر ماه هرمزد روز نام دارد; نامي از نام‌هاي خداوند متعال، خداوند در آن روز آدم : را آفريد. ايرانيان گويند: آن روزِ خوب و نيكويي براي نوشيدن و شادماني است و من كه امام صادق هستم مي گويم: آن روز روز خوش يوم و مباركي است، روز شادماني است، در آن روز با اميران و بزرگان خود سخن گوييد و از آنان نيازهاي خويش را بخواهيد. هر كس در آن روز زاده شود فرد با بركتي خواهد بود، در آن روز بر شاه وارد شويد، در آن روز خريد و فروش كنيد و كشاورزي نماييد و درخت بكاريد و خانه بسازيد و مسافرت كنيد، روزي است كه براي همه كارها شايسته است از جمله براي ازدواج، هر كس در آن روز بيمار شود زود خوب شود، هر كس در آن روز چيزي گم كند آن را بيابد انشاءالله. دوم، بهمن روز، روز نيكويي است، در آن روز خداوند حوا را آفريد كه دنده‌اي از دنده‌هاي آدم بود و ...> . در اين

روايت بلند، نك: بحار ۵۶/۹۱/۲۲/۱. مرحوم مجلسي قطعاتي از اين روايت را به مناسبت‌هايي در جاجاي كتاب بحار الانوار آورده است: بحار ۵/۲۳۷. ۱۱/۳۴۲. + ۱۲/۴۳. + ۱۳/۳۸۶. + ۱۸/۹۱، ۲۱۴. + ۳۲/۳۵ + ۳۷/۱۰۸، ۸۶، + ۳۹/۱۷۷. + ۵۲/۲۷۶. + ۵۲/۳۰۸. سازنده آن از قول امام صادق: سي روز آريايي باستان را به گونه‌اي كه در اوستاي موجود آمده است نام مي‌برد و نيك و بد اين روزها را بيان مي كند .نك: خرده اوستا ۱۹۱، ۱۹۲ ۲۱۴. + ايران; آيين و فرهنگ.مرحوم علامه مجلسي روايات ديگري نيز درباره‌ء نام روزهاي ماه ايراني و نيك و بد آنها از قول امام صادق آورده است اين روايات خلاصه ی روايت فوق است:

۱ - «اين روايت را در برخي كتاب‌هاي منجمان ديدم كه از قول امام صادق نقل كرده‌اند: نخستين روز، هرمز و آن نام خداي تعالي است، در اين روز خداوند آدم و حوا را آفريد، روز نيكي است براي بازرگاني و گفتگوي با شاهان و شكار و خانه سازي و پوشاك، اما رفتن به حمام و حجامت كردن و قرض گرفتن و جنگ و مناظره خوب نيست. دوم: بهمن، روز مباركي است و ... و ...». نك: بحار ۵۶/۹۵/۴. مقايسه كنيد: رساله پهلوي ماه فروردين و روز خرداد. پيشين.

۲ «ابو بصير يحيي بن جرير تكريتي در كتاب المختار في الاختيارات از قول ابو الحسن قاري و او از حسن بن احمد بن روح و او از محمد بن ابراهيم و او از قول امام صادق نقل كرده است كه فرمود: در روز نخست ماه خداوند آدم را آفريد و آن روز نيكويي است و براي گفتگو با اميران مناسب است. روز دوم: براي ازدواج و سفر و خريد و فروش و آغاز هر كاري مناسب است، روز سوم و ...» تا آخر روايت، نيك و بد سي روز ماه سال ايراني را بيان كرده است هرچند كه نام ايراني روزها حذف شده است. پيداست كساني خواسته‌اند مشخصه‌هاي بارز شعوبي را حذف كنند و به همان نيك و بد روزها كه بخشي از باورهاي كهن ايراني است بسنده نمايند. نك: ۵۶/۹۸/۵. در اينجا مرحوم مجلسي كه شيفته ی روايات و گردآوري مجموعه ی بزرگي از ميراث گذشته بوده روايتي نقل كرده كه از يك سو مي‌تواند ساخته دستگاه تبليغاتي اموي عباسي و متصلبان متشرع عرب زده ايراني سني باشد و يا كه متصلبان متشرع عرب زده شيعي ايراني ساخته و بافته‌اند. در اين روايت بسيار بلند، سازنده‌ء آن از قول امام رضا و او از قول پدرانش و آنان از قول علي بن ابي طالب، ايرانيان باستان را به بت پرستي متهم كرده كه: ايرانيان باستان همان اصحاب رسّ بودند، درخت صنوبر را كه به

فارسي شار درخت گويند مي‌پرستيدند، پيامبرشان را در خاك دفن كردند به همين دليل به اصحاب رُس؟ّ معروف شدند، در كنار رودخانه رُس؟ّ دوازده روستا داشتند به نام‌هاي: آبان، آذر، دي، بهمن، اسفندار، فروردين، ارديبهشت، ارداد، مرداد، تير، مهر، شهريور، شهر بزرگ‌شان اسفندار بود، شاه‌شان تركوز بن غابور بن يارش بن سازن بن نمرود بن فرعون بود ... براي درخت قرباني مي كردند، سجده بر درخت مي‌بردند، آتش مي‌افروختند و ... و ... سازندهء اين افسانه با استفاده از برخي واژگان و نام‌هاي ايراني (فارسي دري) هرچه خواسته ساخته و بافته است. شگفتي و تأسف در اين است كه چگونه مرحوم مجلسي چنين متني را كه جعلي بودن آن از روز روشن‌تر است به نام امام رضا و امام علي پذيرفته و بعد به تبيين آن هم پرداخته است! روايتي كه نه فصاحت و بلاغت عربي دارد و نه واژگان و ساختار آن عربي اصيل است و پيداست كه فردي مستعرب و عرب زده آن را بهم بافته و ساخته است و نوعي فارسي الف و لام‌دار است! روايتي كه محتواي آن برخلاف واقعيت و تاريخ است و آشكارا نشان مي‌دهد كه سخنان عاميانه فردي متعصب و عرب زده و بيگانه با فكر و فرهنگ و تاريخ ايران باستان است. انتساب چنين متني به راهبران عقيدتي شيعه، به پرسش گرفتن آگاهي و دانش آن بزرگواران است. اين روايت و مانند آن ميراث پان عربيسم تاريخي و ايرانيان عرب زدهء سنّي يا شيعه است. صاحب كشف اللثام نيز همين روايت را از مهذب خلاصه كرده و افزوده است: <مُعَلّي بن خنيس گفت: «اين مطالب را امام صادق به من املا كرد و من نوشتم» . نك: كشف‌اللثام ١/١١.

احمد بن فهد حلي در شرح روايات نوروزي منسوب به مُعَلّي آورده است: «رضي‌الدين علي بن طاووس گفته كه آغاز جهان و آفرينش دنيا در ماه نيسان بوده، بي گمان در ماه نيسان خورشيد در برج حمل است. بنابراين اگر آغاز جهان در چنين روزي بوده شايسته است كه اين روز، عيد و روز شادماني باشد به همين دليل در شرع آمده كه بايد در آن روز غسل كرد و عطر زد و لباس پاكيزه پوشيد و نماز و سجدهء شكر و دعا كرد و روزه گرفت زيرا در آن روز نعمت بزرگ خداوند كه آفرينش جهان باشد آغاز شده است و آن روزي است كه هستي از عدم به وجود رسيده است ...> . نك: مهذب ١/١٩١. شگفتا كه در ميان مشايخ و علماي اماميه كه كم و بيش روايات نوروزي را در آثار خود آورده‌اند، احمد بن فهد حلي بيش از ديگران به اين روايات دلبستگي نشان داده و در تبيين و توجيه آنها كوشيده و اشكالات احتمالي را مطرح ساخته و پاسخ داده

اسـت. شـيخ انصـاري نيـز روايـات فضـايل نـوروز را پذيرفتـه و بخشـهايي از روايـت بلنـد مهـذب را نقـل كـرده اسـت و بـر همـان اسـاس اعتبـار شـرعي نـوروز و آداب و اعمـال آن را ثابـت كـرده اسـت . نـك: المكاسـت ٣٢٨. صـاحب جـواهر نيـز روايـت بلنـد فضـايل نـوروز را از مهـذب خلاصـه كـرده و تاييـد فرمـوده و مبنـاي اعتبـار شـرعي نـوروز و آداب و اعمـال آن قـرار داده اسـت . نـك: جـواهر ٥/٤٠. مشـايخ و علمـاي اماميـه از آغـاز تـا انجـام بـه واژه ی نـوروز نيـز پرداختـه‌انـد: ابـن ادريـس در سـرائر مـي نويسـد: «گفتـه مـي‌شـود نـوروز و نيـروز كـه دو واژه هسـتند؛ نـوروزي كـه روز دهـم مـاه ايـار رومـي اسـت و نيـروز معتضـدي كـه روز يـازده مـاه حزيـران رومـي مـي‌باشـد و آن را معتضـد عباسـي بنـا نهـاد ...». علامـه ی مجلسـي در بحـار گويـد: «نيـروز همـان نـوروز نـك: السـرائر ١/٣١٥. اسـت ماننـد نوبخـت كـه نيبخـت گوينـد، در گـويش تـازي اسـت كـه چنـين مـي‌شـود، هـر گـاه نيـروز را بـه فـتح بخـواني مـي‌شـود نـوروز ...» . نـك: بحـار ٥٢/٣١. + قمـي / الكنـي ١/٩٥. ابـن شهرآشـوب از مشـايخ اماميـهء سـده ی هفـتم هجـري در كتـاب مناقـب حكـايتي نقـل كـرده كـه در آثـار پيشـين اماميـه ديـده نمـي‌شـود. همـين حكايـت برخـي متشـرعان متصـلب شـيعه را بـه ترديـد انداختـه تـا رسـميت و اعتبـار شـرعي نـوروز را بـه پرسـش گيرنـد و از بـاب تعـارض و تخـالف اخبـار نـوروزي، احتيـاط كننـد. ايـن حكايـت كـه بـا توجـه بـه سـبك و سـياق و محتـواي آن، بـي گمـان سـاخته و پرداختـه دسـتگاه تبليغـاتي خلافـت عباسـي و متصـلبان عـرب زده اسـت بـه منظـور كاسـتن از محبوبيـت و نفـوذ معنـوي راهبـران عقيـدتي شـيعهء دوره ی حضـور سـاخته شـده و يـا كـه حكايـت روزگـار سـتيز فرقـه‌هاسـت كـه متصـلبان متشـرع عـرب زده، طرفـداران نـوروز را منـع شـرعي مـي كردنـد و بـراي بـي‌اعتبـار نشـان دادن نـوروز سـند و مـدرك مـي‌سـاختند . آثـار ايرانـي فارسـي شـيعه و سـني سـده‌هـاي پـنجم، ششـم و هفـتم هجـري بـه روشـني ايـن واقعيـت را نشـان مـي‌دهنـد؛ سـنيان متصـلب ايرانـي از مراسـم و شـعائر شـيعه انتقـاد مـي كردنـد كـه ايـن‌هـا سـنتِ مجـوس اسـت. نـك: الـنقض ٤٤٤، ٤٤٥، ٤٤٦، ٤٤٧ و ٤٤٩: مؤلـف فضـائح الـرافض كـه سـنّي متصـلب ايرانـي عـرب زاده‌اي اسـت مـي‌نويسـد: «... همچنـان كـه گبركـان [= زرتشـتيان] خـود را مـولاي آلِ ساسـان داننـد ... همچنـان كـه گبركـان از همـهء صـحابه عمـر را دشـمن‌تـر دارنـد ... رافضـيان [= شـيعه] نيـز عمـر را دشـمن‌تـر دارنـد بـه سـنت گبركـي . و همچنـان كـه گبركـان گوينـد كـه كـي‌خسـرو [= پسـر سـياوش ] بنمـرد و بـه آسـمان شـد و زنـده اسـت و بـه زيـر آيـد و كـيش گبركي تـازه كنـد تـا رافضـي گويـد كـه قـائم زنـده اسـت بيايـد و مـذهب رفـض را قـوت دهـد و جهـان بگيـرد و ...» . +

همان ٦٦، ٦٨. + راوندي / راحة الصدور. ابن شهرآشوب گويد:«حكايت شده كه منصور عباسي از موسي بن جعفر : خواهش كرد كه در روز نوروز براي عرض تبريك جلوس كند و هديه‌هايي كه به او تقديم مي‌شود بپذيرد. امام كاظم فرمود: «من هر چه در اخبار جدم رسول خدا گرديدم، روايتي در تاييد و اعتبار نوروز نيافتم، نوروز از سنت‌هاي ايرانيان بود كه اسلام آن را محو كرده است و به خدا پناه مي‌برم كه آنچه را اسلام محو كرده من زنده كنم». منصور در پاسخ گفت: ما هم اين كار را فقط از روي سياست مي كنيم تا سپاهيان را كه همه ايراني هستند خوش آيد و خشنود باشند. بنابراين تو را به خدا سوگند مي‌دهم كه جلوس كني. حضرت جلوس كرد و شاهان (؟!) و اميران و فرماندهان بر او وارد مي‌شدند و تبريك مي گفتند و هديه‌هايي تقديم مي‌داشتند. خادم منصور پشت سر حضرت ايستاده بود و هديه‌ها را صورت مي كرد و ...».نك: مناقب ٣/٤٣٣. + بحار ٤٨/١٠٨. + ٥٦/١٠٠/٢ +مناقب ٤/٣١٩.

سازنده اين حكايت كه پيداست فرد عامي متصلّبي بوده طبق معمول در همه ى روايات و قطعات جعلي موجود در تاريخ اسلام، به حقايق و وقايع و شرايط توجه نداشته و نمي‌دانسته كه در روزگار منصور هنوز نوروز به دربار خلافت راه نيافته بود و منصور خود را عرب متشرع و متصلبي نشان مي‌داد و مي كوشيد تا مانند خلفاي ثلاثه جلوه كند و بر بني هاشم فخر مي كرد كه بني عباس از طرف پدر و مادر عرب خالص هستند. به ويژه كه پس از كشتن ناجوانمردانه ابو مسلم خراساني و فرماندهان ايراني، ايرانيان با او دشمن بودند و او در سپاه به اعراب تكيه داشت. از طرفي در ميان راهبران عقيدتي شيعهء دورهء حضور، امام كاظم بيش از همه مورد كينه رژيم خلافت قرار داشت و از همان آغاز امامت در زندان خانگي مدينه و سالهاي سال در زندان رژيم خلافت بسر برد . و نكته سوم اين كه اصولاً راهبران عقيدتي شيعه ى دورهء حضور در شرايطي نبودند كه ديدار عام داشته باشند و جلوس كنند. نكته‌هاي ديگري در اين حكايت هست كه چون اصل آن جعلي و بي‌اساس است طرح آنها ضرورتي ندارد. اين حكايت از آن پس ، مورد توجه فقيهان و محدثان اماميه بوده است. علاّمه ى مجلسي همين حكايت را در بحار الانوار از مناقب نقل كرده و فرموده: «اين خبر، مخالفِ با روايتِ معلي است و دلالت بر عدم اعتبار شرعي نوروز دارد، اما رواياتِ معلي از نظر سند قوي‌تر و در ميان اصحاب مشهورتر است. مي‌توان اين خبر را حمل بر تقيه نمود آن گونه كه رواياتِ معلي را نيز مي‌توان حمل بر تقيّه كرد چرا كه آن

حضـرات در شـرايط و روزگـاري بودنـد كـه بايـد در برابـر مخالفـان تقيّـه مـي‌نمودنـد يـا كـه بايـد گفـت نـوروز مـورد نظـر امامـان در روايـت معلـي غيـر از نـوروز ايرانـي اسـت» نـــك: بحــــار ٤٨/١٠٨. + ٥٦/١٠٠/٢. + ٥٦/١٣١ ١٣٧. در حاشــــيه ی چـــاپ جديـد كتـاب بحـار الانـوار آمـده اسـت كـه: «روايـتِ معلـي در برابـر خبـر مناقـب قـوي‌تـر و مشـهورتر اسـت امـا فاقـد شـرايط حجيّـتِ شـرعي اسـت بنـابراين مفيـد فايـده اي نيسـت». و در جـاي ديگـري آمـده اسـت كـه: «دو روايـت متخـالف در بـاره‌ء نـوروز وارد شـده؛ روايـت معلـي و خبـر مناقـب ، هـيچ كـدام از ايـن دو روايـت صـحيح نيسـت تـا مسـتلزم اثبـاتِ حكـمِ شـرعي باشـد. بـر روايـت معلـي اشـكالات ديگـري هـم وارد اسـت و آن تطبيـق نـوروز بـر روزهـاي عربـي اسـت. هـر چنـد كـه مجلسـي خـودش را بـه زحمـت انداختـه و آنهـا را توجيـه كـرده كـه توجيهـات او خـالي از تكلـف نيسـت. از ظـاهر روايـت مناقـب چنـين پيداسـت كـه بزرگداشـت نـوروز حـرام اسـت چـرا كـه از شـعارهاي كفـار اسـت و احيـاء سـنتي كـه اسـلام آن را محـو كـرده اسـت. ايـن روايـت اگرچـه واجـد شـرايط حجيّـت نيسـت امـا كبـراي آن بـه ادلـهء عـام ثابـت اسـت و صـغراي آن هـم بـا وجـدان قابـل اثبـات مـي‌باشـد. مبنـاي فتـواي بسـياري از فقيهـانِ اماميـه مبنـي بـر اسـتحبابِ غسـل و روزه و ... مبتنـي بـر تسـامح در ادلـهء سـنن اسـت ماننـد ايـن روايـت كـه مـي گويـد: مَـنْ بَلَغَهُ ثَـوابٌ عَلَـيَ عَمَـل ... ولـي اجـراي ايـن قاعـده در اينجـا خـالي از اشـكال نيسـت چراكـه احتمـال حرمـت مـي‌رود. در اينجـا احتمـال حرمـت غسـل و روزه هسـت زيـرا بـا غسـل و روزه احتمـال بزرگداشـت شـعائر حـرام مـي‌رود. قاعـده يـاد شـده در ايـن مـورد اثبـات اسـتحباب نمـي كنـد. در نهايـت مـي‌تـوان گفـت كـه ثبـوت ثـواب بـر غسـل و روزه زمـاني مترتـب اسـت كـه بـه قصـد رجـاء و برابـر رضـاي خداونـد انجـام شـود». مجلسـي پـس از بررسـي و بحـث بسـيار و سـرانجام مـي پـذيرد كـه نـوروز در روايـاتِ معلـي همـان نـوروز ايرانـي اسـت . نـك: بحـار ٥٦/١٣١ ١٣٧. شـيخ الفقهـا مرتضـي انصـاري نيـز فرمـوده اسـت كـه: «روايـاتِ مُعَلّـي بـا روايـتِ مناقـب تعارضـي نـدارد، زيـرا روايـتِ معلـي در ميـان اصـحاب مشـهورتر اسـت. و مـي‌تـوان روايـت مناقـب را حمـل بـر تقيـه كـرد چـرا كـه در روايـتِ معلـي آمـده اسـت كـه امـام صـادق فرمـود: «نـوروز از ايـام مـا بـود، ايرانيـان آن را نگهداشـتند و شـما عـرب هـا آن راضـايع كرديـد». يـا كـه مـراد از نـوروز در روايـات معلـي، روز ديگـري اسـت» مرحـوم شـيخ انصـاری سـپس بـه همـه ی اقـوال (نـك: المكاسـب ٣٢٨) مشـايخ اماميـه اشـاره مـي كنـد كـه نـوروز را همـان روز اول سـال ايرانـي دانسـته‌انـد. صـاحبِ جـواهر الكـلام نيـز همـين نظـر را دارد و مـي‌فرمايـد: «حكايـتِ مناقـب بـا

روایــات مُعَلّــي  در تعــارض نیســت» و مــي‌افزایــد: «ایــن روایــت قاصــد از دلالــت بــر نهـي و تحـریم اسـت، عـلاوه بـر ایـن مـي‌توانـد از روی تقیـه  باشـد. یـا کـه نـوروز مـورد نظـر امامـان نـوروز دیگـری اسـت»نـك: جـواهر ٥/٤٠. شـیخ عبـاس قمـي نیـز روایـت مناقـب را نقـل کـرده اسـت. نـك: الکنـی ١/١٨٣. فرقـه‌هـاي شـیعه نیـز بـه نـوروز پرداختـه‌انـد; زیدیـه  کـه در فقـه متـأثر از تسـنن  اسـت و در عربیـت تعصـب و تصـلب دارد، اصـولاً زبـان و فرهنـگ سـایر ملـل را بـه رسـمیت نمـي‌شناسـد، از جملـه زبـان و فرهنـگ ایرانـي را در بسـیاري مـوارد بـه رسـمیت نشـناخته اسـت . در مسـند امـام زیـد آمـده اسـت کـه: «توقیـت بیـع بـه زمـان مجهـول جـایز نیسـت».نـك: شـعوبیه ٢٢٣، ٢٢٤ +شـرح‌الازهـار ٤/٥ . سـوگند بـه فارسـي منعقـد مـي‌شـود ... زیـد بـن علـي : فرمـوده اسـت کـه جـایز نیسـت نـوروز و مهرگـان، زمـانِ عقـدِ بیـع قـرار گیـرد» . نـك: مسند امام زید ٢٦٣.

فرقـه‌هـاي غـالي شـیعه کـه زمینـه‌ء گسـترده‌اي بـراي تبلیغـات شـعوبیه بودنـد روایـات شـعوبي را پذیرفتنـد از جملـه فرقـه ی غـالي نُصَـیْریّه  کـه روایـاتِ نـوروز  و مهرگـان  را بـه گونـه ازلـي آیینـي در آثـار مـذهبي خـویش گنجانـد. در کتـابِ الهفـت الشـریف  کـه یکـي از متـون سـرّي فرقـه ی نُصَـیریه  اسـت آمـده اسـت کـه: سـلمان فارسـي  کـه سیصـد سـال زیسـت،(نـک: مقالـه سـلمان پارسـی از نگارنـده در همـین سـایت) اسـرار نـوروز را بـه امامـان گوشـزد کـرد و آنـان در هـر روز نـوروز بـه گونـه شـاهان ساسـاني اصـحاب را بـه حضـور مـي‌پذیرفتنـد. عظمـت و اسـرار نـوروز بـر آن حضـرات روشـن بـود امـا اصـحاب عـرب امامـان چیـزي نمـي‌فهمیدنـد . ن.ك: الهفـت الشـریف ٢٦ ٣٠، ٨٤، ٩٠، ١٢٧ ١٤٠، در کتــاب مجمــوع الاعیــاد  طبرانــي آداب و اعمــال و ادعیــهء ویـژهء نـوروز و مهرگـان براسـاس عقایـد فرقـه نُصَـیریه آمـده اسـت: فرقـه نُصَـیریه عیـد نـوروز را در اول مـاه ربیـع‌الاول جشـن مـي گرفتـه‌انـد. عیـد مهرگـان را نیـز جشـن مـي گرفتـه‌انـد. فهرسـت آداب و اعمـال نـوروز و مهرگـان در کتـاب طبرانـي: روز نـوروز کـه در چهـارمِ مـاه نیسـان رومـي اسـت و آغـاز سـال ایرانـي مـي‌باشـد. بـاطن نیـروز، نـوروز و مهرگـان، دعـاي نـوروز، خطبـه ی نـوروز، دعـاي مهرگـان و ... ن.ك: بـدري / مـذاهب ٢/٤٦٠. در ایـن‌جـا لازم اسـت یـادآوري کـنم کـه روایـات و اقـوال نـوروزي شـیعه و سـني و منـابع آنهـا را از: النـوروز فـي مصـادر الفقـه والحـدیث، گرفتـه‌ام. نـك: کتـاب نامـه. آنچـه در عاشـورا و نـوروز گذشـت تنهـا نمـودي از چگـونگي حلـول و پیونـد مـذهب و ملیـت ایرانـي اسـت کـه در گـذر سـده‌هـا، هویـت ایرانـي مسـلمان را سـاخته و فرهنـگ ملـي ایـران را پدیـد آورده اسـت تـا ناسیونالیسـت‌هـاي ملحـد و منفعـل و

جاهـــل معاصـــر ایرانـــي بداننـــد كـــه مـــذهب و مليـــت ایرانـــي تجزیـــه ناپـــذیر اســـت و شـــعار كهنـــه ی ایـــران منهـــاي اســـلام ذاتـــاً عقـــيم و حتـــي تصـــور آن مُحـــال و ممتنـــع اســـت و دريابنـــد كـــه بـــه آنچـــه خـــرده مـــي گيرنـــد و بـــراي‌شـــان ناخوشـــایند اســـت و مـــي‌پندارنـــد كـــه فراینـــد فرهنـــگ ســـامي اســـت، صـــد در صـــد ایرانـــي اســـت و هـــر چـــه هســـت همـــت والاي نياكان شعوبي ماست.



# اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَــة

حوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة


للباحث والكاتب و المترجم الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده


*********

# IRANOLOGY

**QUESTION & ANSWER**

**About historical , cultural & civilizational background of Iran**


**http://www.fehresteasar.com**

**www.iranologi.blogfa.com**

**www.fehresteasar.blogfa.com**

**@GMAIL.COM٢IRANOLOGY1**

**BY**

**DR.M.R.EFTEKHARZADEH**

***Iranian writer , Researcher & Translator***


*****